

درباره برکناری منتظری از مقام جانشینی خمینی

اکنون روند تحول اوضاع به گونه‌ای که پیش‌بینی میشد در سمتی تحول یافته است که خمینی آیت‌الله منتظری یعنی کسی را که "حاصل مهر خود" می‌نامد به گونه‌ای اهانت بار بدور انداخته است. انتقام جوئی کینه‌توزانه خمینی از پاره تن خود قبل از همه نشانه حدت جنگ قدرت در رژیم سست بنیاد خمینی است. حکم برکناری منتظری، که به دروغ آنرا بصورت "استعفاء" آرایش داده‌اند، قبل از همه ضربه سنگینی است بر شخص خمینی و بر ارکان رژیم پوسیده ولایت فقیه. همه چیز حکایت از آن دارد که بساط رژیم ولایت فقیه از فروپاشیدن در امان نیست. با هزل منتظری، که شانس بزرگ رژیم برای ولایت پس از خمینی بود، رژیم بی‌آینده ولایت فقیه باز هم بی‌آینده‌تر شد. این جام زهر دیگری بود که خمینی سرکشید.

بقیه در صفحه ۲

خمینی:

"آینده نظام تاریک است"

آخوند انصاری از اعضای دفتر خمینی روز دوشنبه ۲۱ فروردین در دانشگاه تهران اعلام کرد: "امام در یکی از سؤال‌هایی که در این رابطه (تعیین جانشین) و در ارتباط با این تصمیم (برکناری منتظری) از ایشان شده بود فرمودند که در این قضیه می‌دانم که اگر تصمیم نگیرم آینده نظام تاریک است و دیگر تاریک‌تر از این هم نمی‌شد."

(کیهان ۲۴ فروردین)

آری خمینی نیز به سخن آمده است که آینده نظام "دیگر تاریک‌تر از این نمی‌شد". برکناری منتظری، "امید امت و امام" از جانشینی خمینی که اوج بحران حکومت بی‌آینده تقما را به نمایش گذاشت، خود، رژیم را همیقتر بقیه در صفحه ۲

"اجبار زندگی دور از میهن را باید از میان برداشت!"

مصاحبه نشریه "اکثریت" با گنسر اوچار عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشرو ترکیه در آستانه بازگشت از مهاجرت به ترکیه

پلیس سیاسی ترکیه برده شد. فردای آنروز "گنسر" به دادستانی تحویل داده شد و در آنجا چون مدرکی از او نداشتند آزادش کردند. اما بلافاصله توسط پلیس سیاسی ترکیه با اتهامات ساختگی دستگیر شد.

نشریه اکثریت پیش از بازگشت گنسر اوچار به کشورش مصاحبه‌ای با او ترتیب داد که بخشی از آن را می‌خوانید:

چرا به ترکیه بازمی‌گردید؟

- امروز میلیون‌ها پناهنده در نقاط مختلف جهان پراکنده‌اند. یکی از اهداف اساسی سازمانهایی که برای صلح و دموکراسی مبارزه می‌کنند، این است که اجبار زندگی در غربت از بقیه در صفحه ۵

هم میهنان عزیز! مطابق گزارش رسمی خبرگزاری جمهوری اسلامی آتای منتظری از مقام جانشینی خمینی به عنوان ولی فقیه استعفاء داده است. نظر به اهمیت این واقعه در اوضاع حاکم بر کشور و پی آمدهای آن کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نظر و ارزیابی خود را در باره آن اعلام داشته توجه همگان را به حساسیت وضع سیاسی پدیدآمده جلب می‌کند.



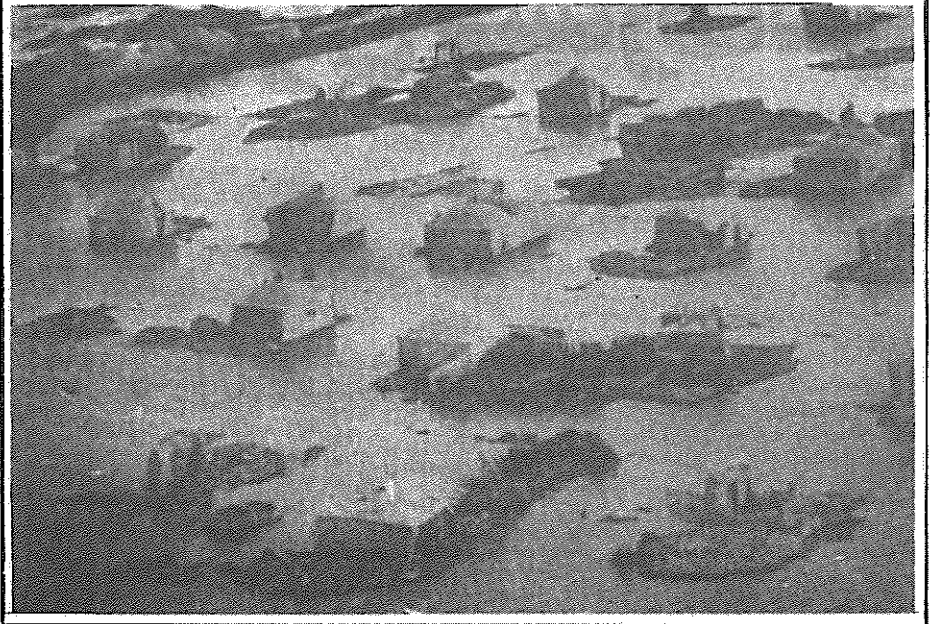
نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ برابر ۱۷ آوریل ۱۹۸۹ به شماره ۲۵۳

فاجعه سیل در سیستان

سیل سیستان در ۳۰ ساله اخیر در ایران بی سابقه بوده است

در صفحه ۳



در این شماره

گوشه‌ای از مشکلات پناهندگان ایرانی در ترکیه
در صفحه ۵

آثار چارلی:

طرح شادی برمتن درد
در صفحه ۶

سمت گیری بشردوستانه پرسترویکا
در صفحه ۱۲

لهستان: تصویب رفرم‌های جدید

در صفحه ۱۲

گنسر اوچار عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشرو ترکیه، از سال ۱۹۸۴ پناهنده در کشور سوئیس است. "گنسر" از چندی پیش تصمیم گرفت که به کشورش بازگردد اما به سبب انتخاباتی که در ترکیه در جریان بود، بازگشت خویش را به تعویق انداخت.

گنسر اوچار در ساعت ۱۴ ظهر، نهم آوریل ژنو را به قصد ترکیه ترک گفت. جمعیت قابل توجهی از هموطنان و سایر دوستان او برای بدرقه‌اش به فرودگاه ژنو رفتند.

چندروز پیش برنامه اخبار تلویزیونی ژنو بخشی از مصاحبه مطلوبه‌های او را پخش کرد.

گنسر اوچار پس از ورود به فرودگاه استانبول توسط پلیس ترکیه دستگیر و مستقیماً به مقر

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره برکناری منتظری از مقام جانشینی خمینی

بقیه از صفحه ۱

هم میهنان!

وقتی نزدیک به سه سال پیش برخی از نزدیکان آقای منتظری بخاطر افشای اسرار زدوبند پنهانی سران رژیم با آمریکا به دستور شخص خمینی بازداشت شده و بزور شکنجه بر روی صفحه تلویزیون آورده شدند، یک هدف عمده بطور مشخص متوجه بی‌اعتباری و نفی صلاحیت منتظری بعنوان جانشین خمینی بود. در آن زمان آیت‌الله منتظری را نیز وادار کردند به آنچه که "امام" می‌خواهد تمکین کند. اما علیرغم این‌ها، تضادهای آنها مجار نشد، بلکه حدت بیشتری یافت. امروز هم خطای فاحشی است، هرگاه تصور شود برکناری تحقیرآمیز منتظری می‌تواند آرامش را به صفوف درهم‌ریخته حامیان رژیم بازگرداند، آینده نشان خواهد داد که علیرغم هرواکنش منتظری، مخالفت و اعتراض علیه سران قدرتمند رژیم در ارگانهای مختلف آن، از جمله در صفوف تشون رژیم ادامه و گسترش خواهد یافت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) توجه همگان را به این واقعیت جلب می‌کند که افشاء و طرد منتظری توسط خمینی با طرد سایر جریانهای اسلامی لیبرال یا رادیکالی که در اوایل انقلاب در حکومت و پیرامون آن حضور داشتند هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست. خمینی خود می‌گوید منتظری پاره تن اوست در حالیکه آنها از اول هم باوی نبوده‌اند. با توجه به نارضائی و نفرت همیق مردم از رژیم و با توجه به بیم و نگرانی بسیاری از حامیان رژیم از مردم، خمینی به هیچ‌وجه قادر نخواهد شد با طرد منتظری بر آنچه که جمهوری اسلامی را از راس تا همق شکافته است فلبه کند. چشم‌انداز خونبار برای آینده درگیریهای درون رژیم ذهن بانیان و حامیان آن را پریشان ساخته است. هم‌اکنون تلاش‌های تازه‌ای برای سرهم‌بندی شورای ولایت آغاز شده است. اما همه چیز

نشان می‌دهد که اینگونه تدابیر نیز، تازه چنانچه بتواند پیگیری شود، در چنبره تنش‌های داخلی رژیم و زیر ضربات مردم سرنوشتهی بهتر از تدابیر قبلی برای حفظ تداوم رژیم ولایت فقیه نخواهند داشت.

هم میهنان عزیز!

آقای منتظری در این اواخر علیه اهدام‌های خودسرانه موضع گرفته است. او هم چنین اعلام کرده است "انقلاب در اصول و اهداف خود موفق نبوده است" سازمان‌های موضع‌گیر به‌اراد در حد خود مثبت ارزیابی کرد. تردیدی نیست که برخی اشارات آیت‌الله منتظری به برخی اختلافات با سران قدرتمند رژیم، بویژه شخص خمینی موجب وادار کردن او به استعفا بوده است. امری که با اعتقاد ما مهمترین واقعه زندگی سیاسی اوست. اما از آنجا که این اختلافات همچنان در چارچوب حفظ رژیم و پذیرش ولایت فقیه است، مردم به حق با اهداف آن خود را بیگانه می‌یابند. مردم با همه اهدام‌شدگان و قربانیان سرکوب رژیم که از اطرافیان منتظری نیز در میان آنان بوده‌اند همدردی احساس می‌کنند اما تجربه به آنها آموخته است که کسانی که بهر تقدیر از ولایت فقیه با هر نوع رژیم استبدادی دیگر حمایت می‌کنند، را از آن خود ندانند.

طرفداران هر نوع حکومت استبدادی که حق حاکمیت مردم و آزادی همه نیروهای سیاسی کشور را تضمین نمی‌کنند عملاً در اتحاد وسیع مردم ایران جایی ندارند. فدائیان خلق امروز و نیز زمانی که توسط مردم برای اداره کشور برگزیده شوند از حق همه احزاب خلع نظر از عقاید آنان برای فعالیت سیاسی و جلب رای آزادانه مردم تا به آخر حمایت و پاسداری خواهند کرد.

دموکراسی برای ایران یک شعار و یا یک وسیله نیست. دموکراسی آرمان والایی است که طی یک قرن اخیر مضمون و هدف همه مبارزات مردم ما متوجه

تحقق آن بوده است. بنا به اعتقاد ما و بنا به هزم قاطع شما مردم شرافتمند ایران پیکار تاریخی در راه استقرار دموکراسی در ایران تا پایان ادامه خواهد یافت و قطعاً نیز زمانی که مردم زحمتکش ایران بر مقدرات خویش حاکم شوند به پیروزی کامل دست خواهند یافت. فدائیان خلق امروز باردیگر کلیه کسانی را که در حکومت و پیرامون آن تبغ سرکوب و استبداد را بالای سر خود احساس می‌کنند فرامی‌خوانند به جنبش نیرومندی که در کشور ما در راه دموکراسی نضج می‌گیرد، بپیوندند. پیروزی فقط از آن این جنبش است. طلابی که از سرکوب خود بدست سران رژیم بی‌مناکند باید بجای شیخ فضل‌الله نوری‌ها و خمینی‌ها زندگی شیخ محمد خیابانی‌ها و طالقانی‌ها را سرمشق قرار دهند. نخستین شرط پایبندی به مردم و به اهداف عالی انقلاب بعین روبرافتن از ولایت فقیه و مبارزه در راه حاکمیت مردم است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه سازمانها، احزاب، جمعیت‌ها، شخصیت‌های دموکرات صلح‌طلب و میهن‌دوست ایران را به اتحاد علیه رژیم خمینی و در راه دموکراسی و صلح پایدار در ایران فرا می‌خواند، بگذار اتحاد ما مانع از آن گردد که رژیم منفور ولایت فقیه، که دستخوش حادترین بحرانهای درونی است، باردیگر با تحکیم سلطه خونبار خود بر کشور، تحقق آرزوی دیرین خلق‌های ایران برای برپایی دموکراسی در میهن ما ایران را به تاخیر اندازد.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی
مرگ بر رژیم ولایت فقیه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت)

شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۶۸

خمینی : " آینده نظام تاریک است "

بقیه از صفحه ۱

در گرداب بحران و اضمحلال فرورفته است. پس از اعلام پذیرش قطعنامه صلح توسط خمینی، این دومین عمل و تصمیمی است که امت حزب‌الله را به شدت تکان داده و حیرت زده کرده است. "حزب‌الله همیشه در صحنه" با بهت زدگی می‌بیند که شکاف تا بالاترین نقطه هرم حکومتی امتداد یافته و فردی که تا دیروز جانشین ولی فقیه معرفی شده و شعارهایی در حمایت از او بر زبانش جاری ساخته بودند، اینک تحقیر شده و خوار به کنار افکنده می‌شود.

اخبار و گزارش‌ها عملکردی دوگانه از سوی رژیم را در پاسخگویی به وضعیت موجود نشان می‌دهد. از سویی، با گسترده‌گی حذف و سرکوب طرفداران منتظری و یا مسئولین با مواضع مشابه او به اجراء درمی‌آید و از سوی دیگر سخنرانی‌ها و جلسات توضیحی و تشریحی متعددی توسط دست‌اندرکاران امر برای توجیه حزب‌الله بصورت زده و پایه‌های رژیم، برگزار می‌شود. براساس گزارش خبرگزاری‌ها تاکنون در همین رابطه قریب ۲۵۵ مورد برکناری مسئولین در سطوح معاونین وزارتخانه‌ها، مدیران و روسای دوایر و ارگان‌ها انجام یافته است. این برکناری‌ها تحت عنوان تصفیه عناصر "لیبرال" و "حجتیه" صورت گرفته است. همه نمایندگان منتظری در دانشگاه‌ها و ارگان‌های دیگر برکنار شده‌اند. طرح تصفیه حوزه‌ها و انجام تغییرات - تا آنجا که تعادل توا و صف‌آرایی‌های موجود اجازه می‌دهد - تهیه شده است. اخباری در زمینه دستگیری برخی از اطرافیان و بستگان منتظری نیز، انتشار یافته است. خمینی در سخنرانی‌های خود و بویژه طی حکمی که در روز ۱۴ فروردین برای جنتی بعنوان رئیس ستاد تبلیغات اسلامی صادر کرد با صراحت به دیگر مسئولین نیز

فاجعه سیل در سیستان

بقیه از صفحه ۱

موسوی اردبیلی به مدت ۲ ساعت سیلزدگان را از بالاتاشا کرد و سپس در جایی امن، در جلسه ستاد سیل زابل رهنمودهای لازم را به مردم بلا کشیده ابلاغ کرد. شدت خسارات وارده در این مناطق به حدی است که حتی موسوی اردبیلی آنرا یک فاجعه نامید. اردبیلی در زابل اعتراف کرد: «گر قبل از آمدن سیل، رودخانه سیستان دریاچه هامون لایروبی می شد، همق فاجعه کمتر می بود.»

همچنین مسئولین از فرسودگی سیل بندها و هدم تغییر مسیر رودخانه هیرمند به عنوان علل بروز سیل و شدت خسارات نام بردند. مسئولین حکومتی، اما، کوشیده اند تا «سود جویی برخی افراد در تجاوز به حریم

پس از ۶ سال خشکسالی در استان فقر زده سیستان، سیلی عظیم و خانمان برانداز، بخش‌هایی وسیع از این استان را فرا گرفت. در آغاز سومین هفته نخستین ماه بهار، سیلی فاجعه آسا که در سی سال اخیر در ایران بی سابقه بوده است، شهر زابل را در محاصره قرار داد و ده‌ها روستای اطراف آن را در آب فروبرد. به برخی از روستاهایی که در سیل فرو رفته‌اند، هنوز امکان دسترسی میسر نشده است.

نخستین آمار تلفات و خسارات این سیل عظیم، در روزنامه‌های جمهوری اسلامی بدینگونه انتشار یافت: تخریب بیش از دوهزار واحد مسکونی و آوارگی نزدیک به سی هزار تن از روستائیان. اما در



رودخانه هیرمند، از مهمترین هلت جاری شدن سیل و شدت خسارات وارده ارزیابی کنند. بدین ترتیب مسئولین رژیم ولایت فقیه، مردم سیستان را حامل جاری شدن سیل و بروز خسارات مهرنی کرده‌اند.

گرسنگی، سرما، بیماری‌های عفونی، بی‌آبی، گزندگی مارو هقرب و جانوران دیگر، جان بیش از سی هزار نفر از مردم سیل زده سیستان را که خانه و کاشانه‌شان از دست داده‌اند تهدید می‌کند. جمهوری اسلامی هیرقم تمام تبلیغاتی که در یاری رساندن به سیلزدگان می‌کند، تا کنون تنها توانسته است بخش کوچکی از آوارگان را در ۲۰ کمپ و ۳۱۶۵ دستگاه چادر اسکان دهد.

روزنامه‌ها آمار تلفات جانی این سیل خانمان برانداز درج نگردیده است. میزان خسارات این سیل در نشریات رژیم بیش از یک میلیارد تومان برآورد شده است.

بخش قابل ملاحظه‌ای از سیلزدگان را فقیرترین اقشار این استان فقرزده تشکیل می‌دهد؛ مردمی که برای فرار از گرسنگی و تنگدستی در مسیر رودخانه هیرمند به امید بهره‌وری از خاک مرطوب آن سکنی گزیده بودند.

دو روز پس از وقوع سیل، مقامات حکومتی، از جمله موسوی اردبیلی به عنوان نماینده ویژه ولی فقیه با یک برگه چک ۱۱۰ میلیون تومانی از پول مردم به عنوان کمک شخصی «امام» به منطقه سیل زده هزیمت کردند.

دشمنان انقلاب و قائم مقام رهبری از آن استفاده کرده‌اند و یک ضربه جدی و اساسی بر پیکر ایشان و در حقیقت بر پیکره فقامت وارد کردند همین بود که مسئله سادگی ایشان را با مسئله ساده‌اندیشی و تحت تاثیر هواطف و مسایل و تحلیل‌ها قرار گرفتن ایشان را به هم آمیختند و متاسفانه از این رهگذر وارد شدند و ضربه زدند. در مقاله مذکور کوشش شده است خطای نابخشدونی که به برکناری منتظری منجر شد، کم و بیش به مسئله سید مهدی هاشمی (رئیس دفتر منتظری که توسط جمهوری اسلامی اعدام شد) منحصر شود. اما در بخشی از مقاله دفتر حضرت امام «به روشنی آشکار است که موضوع گیری منتظری در مقابل کشتار زندانیان سیاسی بزرگ‌ترین جرم وی بوده است این امر به شدت امکانات رژیم در انکار این تبهکاری هولناک را محدود کرده است. در مقاله آمده است:

«البته آیت الله منتظری حرف‌ها و نامه‌هایی که از صداهای بیگانه و رادیوهای خارجی و روزنامه‌های سلطنت طلبان در خارج به اسم ایشان منتشر شده بود، تکذیب کردند. اما چرا کار به جایی برسد که به نام ایشان و تحت عنوان ایشان چیزهایی مطرح شود که ماه‌ها در مقابل دشمنان و دوستانمان نتوانیم بگوییم اینها را بر چه مبنایی گفته‌اند و این حرف‌ها بر چه پایه و اساس و استدلالی بوده است؟»

حجت الاسلام انصاری بیانیه دفتر خمینی را این چنین پایان می‌برد که: «خدا می‌داند واللہ العظیم انتظار یک چنین روز و یک چنین تحلیل و یک چنین برنامه‌ای را در دل هیچکس نمی‌دیدیم و بعد از این هم ما انتظار نداریم که مسائل را در حیطه تحلیل‌ها و جریانات بیش از پیش باز کنیم.»

اما مسایل بیش از پیش باز خواهد شد. این سرنوشت جمهوری اسلامی است که در هر دور از جنگ و درگیری بی‌پایان در حکومت، که پایانش با پایان هم رژیم همراه است، بیش از پیش تباهی و پوسیدگی خود را به نمایش بگذارد.

مشدار داد که حساب کار دستشان باشد.

برای خواباندن اعتراض و ناآرامی‌های طرفداران منتظری در نجف آباد، خود وی به کمک طلبیده شد از او خواسته شد که طرفدارانش را به آرامش فراخواند. بین طرفداران منتظری و پاسدارانی که برای سرکوب اعتراضات اعزام شده بودند درگیری‌های مسلحانه نیز روی داد و وقوع این اعتراضات و درگیری‌ها به گونه‌ای در سخنرانی‌ها و اعلام مواضع موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی نیز بازتاب یافت. در روزهای اخیر بویژه موسوی خوئینی‌ها و محتشمی وزیر کشور در زمینه ایراد سخنرانی و «افشا منتظری» بشدت فعال شده و کار بگیر و ببند و برکنار کردن‌ها و برگماری‌ها را اهدایت می‌کنند.

هر صه دیگر اقدامات خمینی و دست‌اندرکاران برکناری منتظری در تقابل با وضعیت بحرانی حاکمیت و وضعیت طیف نیروهای طرفدار آن، برگزاری جلسات سخنرانی‌های متعدد توجیهی و تشریحی در زمینه هلت برکناری منتظری است. یک مورد برجسته که به دلیل اهمیت آن از نظر انعکاس نظرات شخص خمینی در این زمینه به تفصیل در کیهان ۲۵ فروردین درج شده است، سخنان حجت الاسلام انصاری عضو دفتر خمینی در «جلسه تحلیل سیاسی دانشگاه تهران» است. شکل تنظیم این سخنرانی، مقالات تهیه شده توسط وزارت اطلاعات رژیم را یادآور است.

در این مقاله، عضو دفتر خمینی می‌گوید:

«یک تحلیلی که به نظر من تحلیل بی‌مایه و فلفلی است و نباید به آن پرداخت، این است که انسان فکر کند یک جریان قوی حذف قدرت، یک جریان بالانس حاکمیت و یک جریان تعادل و توازن در میدان‌های تصمیم‌گیری آینده پشت این جریان بوده و جریانات را روی ریل و فلفلی انداخته که امام مجبور شدند در رابطه با آن تصمیم بگیرند. این از آن حرف‌هایی است که حتی کسانی که در جریان مسایل بیت و رهبری امام و ارتباط ایشان با آیت الله منتظری هستند می‌دانند که از آن تحلیل‌های بچگانه است.»

عضو دفتر خمینی در ادامه می‌افزاید آن نقطه‌ای که متاسفانه



طرح اصلاح قانون صنفی به تصویب مجلس رسید

در جلسه هفتی چهارشنبه ۲۳ فروردین مجلس اسلامی، کار رسیدگی به طرح اصلاح قانون صنفی که در تیرماه ۱۳۵۸ در شورای انقلاب به تصویب رسیده بود، در شوردوم از تصویب گذشت. در این قانون گفته میشود: کلیه شرکت‌های مشمول قانون نظام صنفی موظف هستند طی مدت یکسال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون نسبت به اخذ پروانه کسب در اتحادیه ذریبیط اقدام کنند، در غیر این صورت ثبت آنها در اداره کل ثبت شرکتها غیرقانونی است و از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، ثبت شرکت‌های مشمول قانون نظام صنفی قابل پروانه کسب، ممنوع است.

همچنین تاسیس هر نوع محل کسب و واحد صنفی و اشتغال به هر نوع کسب و حرفه مستلزم داشتن صلاحیت و پروانه از اتحادیه صنفی مربوطه خواهد بود.

در طرح مذکور ضوابطی گفته می‌شود: پرداخت عوارض توسط واحدهای کسب بدون پروانه که در سطح شهر مایجاد شده اند موجب هیچ حقی از حقوق صنفی مانند صدور پروانه کسب نخواهد بود و واحدهای صنفی مکلفند در پایان هر سال موارد مقرر بیمه و مالیات را پرداخته و هر ۵ سال یکبار نسبت به تعدیل پروانه کسب اقدام نمایند.



خم شده در زیر رنج کار، با سنگینی باری که برای امرار معاش بردوش می‌کشد، آیا قادر است سنگینی کمر شکن بار گرانی را پاسخ گوید؟

ایران و ایتالیا مناسبات سیاسی خود را از سر گرفتند

بعد از تصمیم اخیر کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا در بروکسل در مورد اجازه دادن به کشورهای عضو این جامعه برای بازگرداندن سفرای خود به ایران و از سرگیری روابط عادی دیپلماتیک، دولت ایتالیا به عنوان اولین کشور عضو این جامعه سفیر خود را به تهران اعزام کرد.

ضمناً احمد ابوطالبی سفیر ایران در ایتالیا در ۲۶ فروردین ماه به ایتالیا بازگشت.

سفر از دولت ایتالیا، کشورهای اسپانیا، جمهوری ایرلند، یونان، آلمان غربی، سوئد و فرانسه قرار است سفرای خود را به تهران اعزام نمایند. سفرای این کشورها در ایران به دنبال صدور حکم اعدام برای سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی توسط خمینی، به کشورهای خود فراخوانده شده بودند.

سفارت جمهوری اسلامی مورد اصابت گلوله قرار گرفت

در آتش‌باریهای اخیر شهر بیروت و درگیریها میان ارتش ژنرال عون و نیروهای مترقی لبنان که موجب ویران شدن نقاط مختلف مسکونی شهر شده است، سفارت جمهوری اسلامی که لانه تروریستهای حزب الهی می‌باشد مورد اصابت این آتش‌باریها قرار گرفت و خساراتی به ساختمان سفارت وارد آمد. گفته میشود بر اثر اصابت گلوله تعدادی از کارگزاران حکومت خمینی زخمی شده‌اند.

رژیم خمینی از طریق وزارت خارجه خود این حملات را یک توطئه برای مداخله بیگانگان در لبنان دانسته است.

خمینی "ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی" را منحل کرد

در پی شکست مفتضمانه سیاست "صدور انقلاب اسلامی" و شکست ترفندهای رژیم برای خالی کردن جیب مردم، خمینی فرمان انحلال "ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی" را اعلام کرد.

رحمانی سرپرست بسیج مستضعفین سپاه جنایتکاران در توضیح این امر گفت: با برقراری آتش‌بش، دیگر چندان لزومی به ادامه فعالیت "ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی" وجود ندارد و هزینه زیاد گرداندن این ستاد، انحلال آن را ضروری می‌سازد.

وی افزود: هلیرقم این امر فعالیت "ستاد بسیج مستضعفین" را برای حفاظت از نظام و صدور انقلاب اسلامی ادامه خواهد یافت؟!

درباره انتخابات ریاست جمهوری

علی‌اکبر محتشمی وزیر کشور حکومت خمینی در تاریخ ۲۲ فروردین هنگام بازدید از خوزستان گفت: تا دو هفته دیگر تاریخ انتخابات ریاست جمهوری و نحوه برگزاری آن اعلام می‌شود و رئیس‌جمهور جدید حدود ۶ ماه دیگر پست خود را تحویل خواهد گرفت.

طبق قانون اساسی فقها، خامنه‌ای بعد از دودوره متوالی ریاست جمهوری باید در پائیز امسال از پست ریاست جمهوری کناره‌گیری کند؛ و این در حالی است که از طرف "جامعه روحانیون مبارز" هاشمی رفسنجانی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی شده است.

هاشمی رفسنجانی به موازات پذیرش این امر، خواهان تغییر در قانون اساسی جهت دادن اختیارات بیشتر به رئیس‌جمهور شده است. حذف مقام نخست‌وزیری به عنوان یکی از خواستهای رفسنجانی از طرف برخی خبرگزاری‌ها گزارش گردیده است.

تعیین زمان برگزاری مذاکرات بین وزرای خارجه ایران و عراق

خاویر پریز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد روز سیزدهم آوریل اعلام کرد: دور جدید مذاکرات مستقیم وزرای خارجه ایران و عراق تحت نظارت سازمان ملل متحد در ۲۵ آوریل برابری ۳۱ فروردین ماه در شهر ژنو از سر گرفته خواهد شد.

پریز دو کوئیار همچنین ابراز امیدواری کرد که طرفین مذاکره برای ایجاد فضای مناسب گفتگوها از خود نهایت خویشتنداری و حسن نیت را نشان دهند و از اقدامات تحریک‌آمیز جلوگیری نمایند. وی افزود: مذاکرات بر لزوم عقب نشینی کلیه نیروها به پشت مرزهای شناخته شده بین‌المللی، تبادل اسیران و حصول توافق حول همه موضوعات مهم متمرکز خواهد بود.

دو کوئیار و نماینده ویژه وی در مذاکرات صلح، "یامیریاتسون" تاکید کردند اجرا تصمیمات شورای امنیت که بر توانین بین‌المللی استوار است از ضرورت فوری برخوردار می‌باشد.

طی سال گذشته دودوره مذاکرات مستقیم وزرای خارجه انجام شده است که هیچگونه نتیجه چشمگیری بدنبال نداشته است. دور جدید مذاکرات را شمش دبیرکل سازمان ملل سرپرستی خواهد کرد.

ابراز نظریات فوق از جانب دبیرکل در حالی است که مقامات رسمی حکومتی در دو کشور به بیان سخنان تحریک‌آمیز علیه یکدیگر پرداخته و همدیگر را متهم به کار شکنی در پیشرفت روند مذاکرات می‌کنند، و همچنان بر بسیج جنگی و تجهیز هر چه بیشتر به تسلیحات مدرن می‌کوشند.

“اجبار زندگی دور از میهن را باید از میان برداشت!”

بقیه از صفحه ۱

این میلیونها انسان برداشته شود. کنوانسیون چهلیمین سالگرد آن است، برای هر انسانی این حق را قائل شد، که آزاده از کشورش خارج شود و یا به آن بازگردد. با این وجود از ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۸، هزاران کرد و ترک به اجبار زندگی در غربت کشانده شدند. اکثر این مهاجران راهضا و هواداران نیروهای سیاسی چپ ترکیه تشکیل می دهند.

رژیم دیکتاتوری ترکیه با این هدف که ارتباط مصمم ترین مبارزان دمکراسی، صلح و ترقی اجتماعی را با مردمشان قطع کند دهها هزار تن از مبارزین را به مهاجرت وادار کرد. اکنون، بیش از ۱۳۰۰۰ تن از مبارزین ترکیه به عنوان پناهنده سیاسی در کشورهای مختلف به سر می برند. نزدیک به ۵۳۰۰۰ تن از مبارزین تنها به دلیل نظرات سیاسی شان در زندانهای ترکیه در بدترین شرایط زندانی هستند و نیز هزاران تن به سبب فشارهای ضد دمکراتیک رژیم ترکیه در حاشیه فعالیت های سیاسی قرار گرفته اند و یا مجبور به مبارزه مخفی هستند.

رژیم ترکیه کوشیده است با کمک گرفتن از موادی از قانون اساسی که به منظور سرکوب حرکات دمکراتیک وضع شده (مواد ۱۴۰، ۱۴۱ و ۱۴۲) ظرفیت های انقلابی زندگی

اجتماعی مردم را کاهش دهد. در گسترش اخیر مبارزات مردم، هر صدهای جدیدی در جهت احقاق حقوق دمکراتیک خلق های ترک و کرد گشوده شده است. حمایت نیروهای مدافع دمکراسی و حقوق بشر و همچنین حمایت های بین المللی، می تواند روند این گشایشها را به نفع نیروهای دمکرات ترکیه سوق دهد. این روند هلیرفم اوج و فرود و پیشرفت و بازگشت هایش اکنون می تواند در جهت کسب حقوق بشر و دمکراسی در ترکیه جهت یابد.

در چنین لمضاتی، به دنبال هشت سال دیکتاتوری سیاه، خلق های کشورمان به کادرهای انقلابی با تجربه نیازمندند. من همیقا اعتقاد دارم که حضور و شرکت مستقیم این کادرها در صحنه اصلی نبرد برای دمکراسی ضرورت مبرم دارد.

بازگشت من به ترکیه، اقدامی مبتنی بر آگاهی بر این مسئولیت است و احساس من برای اجرای این مسئولیت، احساس یک دمکرات مترقی است.

تصد من این است تا در روند بازگشت پناهندگان سیاسی ترکیه و زایش مجدد دمکراسی در کشورم به وظیفه ام عمل کنم. آیا بازگشت شما با بازگشت رفقا کوتلو و سارگین به منظور پایه گذاری قانونی حزب متحد کمونیست، ارتباط دارد؟



گنسر اوچار

همانگونه که می دانید سارگین و کوتلو که هر کدام با برخی ماموریت ها از جانب حزب خویش به ترکیه بازگشته، جنبش بازگشت پناهندگان به کشورشان را پایه گذاری کردند افراد دیگری نیز در این مسیر گام گذاشتند. من نیز چنین می کنم. بی تردید کوتلو و سارگین و من در راه برقراری دمکراسی در ترکیه همدوش یکدیگریم.

آیا بازگشت به ترکیه برای شما مخاطراتی به همراه دارد؟

بی تردید، احتمال خطر هست. اما آنچه را که پیشروی های کنونی نشان می دهند نیز باید دید. امکانات تازه ای برای پیروزی مبارزه در راه احقاق حقوق دمکراتیک برای خلق های ترک و کرد در حال پدیداری است. روند، به سود نیروهای دمکراتیک در حال پیشروی است. این روند از سوی به همبستگی بین المللی و از سوی دیگر به کوششهای نیروهای مدافع آزادی و حقوق بشر در داخل کشور

متکی است.

این تحول با خود مشکلات و خطراتی را به همراه دارد. اما با این همه این خطرات را باید متحمل شد. اگر انسانها به خاطر اندیشه های آزادمشنانه، خطرات را به جان نمی خریدند، تمدن بشری به سطح کنونی اش دست نمی یافت.

نیروهای دمکراتیک برای تحول به سود دمکراسی در ترکیه چه می توانند بکنند؟ آیا در رابطه با بازگشت خود از آنها درخواستی دارید؟

پیشرفتهای علمی و فنی، مردم جهان را به یکدیگر نزدیکتر کرده است. تاثیر متقابل ملل، چه به لحاظ مشکلاتشان و چه از نظر راههای گشایش این مشکلات، افزایش یافته است. اکنون حقوق بشر، صلح و دمکراسی مسایل مشترک همه انسانهاست.

با حمایتی که تاکنون نیروهای دمکراتیک سوئیس و سایر کشورهای جهان نسبت به گسترش دمکراسی در ترکیه نشان داده اند، با اطمینان راسخ می گویم که اما خواست من این است که گسترش حوادث پس از بازگشتم به ترکیه را دنبال کنید و علیه اقدامات ضد دمکراتیک رژیم ترکیه در مورد بازگشتگان به میهن، اعتراض کنید. خواهشهای من مطرح می کنم خواست مشترک همه نیروهای مدافع دمکراسی و حقوق بشر در جهان است.

دیپورت (بازپس دادن) پناهندگان از طرف مقامات امنیتی ترکیه به رژیم خمینی است. پناهندگانی که بطور غیرقانونی از مرز گذشته اند، اگر قبل از معرفی خود به UNHCR به دست پلیس ترکیه بیفتند، تقریباً بدون استثنا تحویل می شوند. این خطر تقریباً همیشه بخصوص قبل از قبول شدن توسط UNHCR آنان را تهدید می کند و هر از گاهی نیز، تعدادی از پناهجویان مصاحبه نشده “دیپورت” می شوند. پس از چندماه انتظار به آنان کیملیک (اجازه اقامت) سه ماهه داده می شود. با این وجود پناهندگان به شدت تحت کنترل پلیس به سر می برند، چنانکه به زحمت قادر میشوند برای رسیدگی به کار خود از شهرهای مختلف محل اقامت به آنکارا بیایند.

از آن، مشکلات بهداشتی و درمانی، مشکلات تهیه مسکن، تامین وسایل اولیه زیستی و گرمایی، برخوردار نبودن از امکانات فرهنگی، هنری، آموزشی، ورزشی و غیره بر سر پناهندگان می بارد. ... کمک مالی UNHCR مبلغ ۵۰ دلار برای هر پناهنده است که از یک دست دریافت می شود و از دست دیگر صرف پرداخت کرایه منزل می گردد. لذا وضع پناهندگان، به قیامت دردناک است، به طوری که آنان در تغذیه خود و فرزندان به ندرت از گوشت و غذاهای پروتئین دار استفاده می کنند....

با وجود جدی بودن مسایل مربوط به پذیرش و اهرام، مشکل اساسی خطر جانی و مسئله

گوشه ای از مشکلات پناهندگان ایرانی در ترکیه

کفایت نکند، پناهندگانی که با بی برنامهگی و بدون داشتن یک چشم انداز روشن به ترکیه آمده اند، به خاطر بسته بودن راه های خروج از ترکیه و نبود امکان اسکان در این کشور بالا جبار به تنها راه باقیمانده یعنی دفتر پناهندگان سازمان ملل UNHCR در آنکارا روی می آورند....

مشکل عمده پناهندگان مربوط به پذیرش در UNHCR و اهرام به کشور ثالث می باشد که روند کندان باهت طولانی شدن مدت اقامت در ترکیه شده و به تبع آن مشکلاتی جدی مانند آموزش و تربیت فرزندان، معضلات مالی در شرایط تورم سرسام آور ترکیه، نارسایی های روحی و روانی ناشی از موقتی بودن و بی برنامهگی ناشی

سالمات پدیده ای به نام مهاجرت به بخش بزرگی از مردم ما تحمیل شده است. ایرانیان مهاجر که در کشورهای بی شماری پراکنده اند، با دشواری های بسیاری روبرو هستند.

بسیاری از مهاجران با تشکیل انجمن هایی برای دستیابی به خواست های خود در کشورهای مختلف تلاش می کنند. از ترکیه “گله نامه انجمن پناهندگان و پناهجویان ایرانی - ترکیه” بدست جارسیده است که گوشه ای از مشکلات مهاجران در ترکیه را به تصویر کشیده است. بخشی از آن بدین قرار است:

“اگر بخواهیم مشکلات پناهندگان ایرانی مقیم ترکیه را بازگو نماییم، شاید نوشتن کتابها

به مناسبت صدمین سالروز تولد جلال‌الدین



آثار چارلی : طرح شادی برمتن درد

«کنون صدای من به گوش میلیون ها تن در سراسر جهان می‌رسد. میلیون ها مردوزن و خردسال امید باخته این قربانی‌های نظامی که انسان ما را شکنجه می‌کند و بی‌گناه‌ها را به زندان می‌افکنند، من به آنها که می‌توانند صدایم را بشنوند می‌گویم، نوید ماباشید!... دیکتاتورها خواهند مرد و قدرتی که از مردم قصب کرده‌اند، به مردم باز خواهد گشت، مادامی که انسان‌ها جان می‌بازند، آزادی مرکز از میان نخواهد رفت.»

پیام چارلی در فیلم «دیکتاتور بزرگ»

اول و خرد شدن توده زحمت در چنگال نظام سرمایه‌داری را خود تجربه کرده بود، او شخصیت «ولگرد» را به عنوان نمونه‌ای از انبوه بی‌کاران فقرزده و بی‌مسکن که هر روز به امید ساختن زندگی رویایی خویش در بهر در به جستجوی کار می‌پرداختند آنگونه خلق کرد، که از سوئی نمایانگر فقر و بی‌کاری و از سوی دیگر نشان دهنده آرزوهای هرروزه این انسانها باشد. شخصیت «ولگرد» همان شخصیتی که تقریباً در همه آثار چاپلین حضور دارد، با آن کلاه مستعمل «جنتلمن‌ها» باکت تنگ چسبان، شلوار گشاد، وصله خورده و بی‌قواره و کفش‌های مندرس، بزرگ و پینه خورده، طنز در دالوده‌ای است از انسانهایی که

ایالات متحده آمریکا سفر کرد. دو سال بعد در یکی از نمایشات، بازی درخشانش توجه «مک سنت» استاد کمدی پرداز هالیوود را به خود جلب کرد و در سال ۱۹۱۴ نخستین تهره همکاری «چارلی» و «مک سنت» فیلم «گذران زندگی» به نمایش درآمد. در این دوره ۳۴ فیلم دیگر نیز به عنوان همکاری این دو هنرمند به نمایش درآمد که چارلی را در هر صحنه سینما به نامی آشنا مبدل ساخت.

سال ۱۹۱۵ فیلم «ولگرد» را به صحنه آورد که شخصیت «چارلی» در این فیلم مایه اصلی شخصیتی شد که آن را در فیلم‌های بعدی خود به کار گرفت. چارلی تا سال ۱۹۱۸ همچنان تنه‌به‌تنه عنوان یک بازیگر برجسته، مورد توجه بود، اما در طول سال ۱۹۱۸ که سه فیلم «زندگی سگی»، «پیش‌فنگ» و «سانی ساید» را ساخت، به عنوان فیلمساز و بازیگر، محبوبیتی جهانی پیدا کرد.

چرا چارلی

شخصیت «ولگرد» را

برای کارهایش برگزید

«چارلی» در تجربه زندگی، بی‌آمدهای ویرانگر جنگ جهانی

دنیای هنر نوابغ بسیاری به خود دیده است. اما در هر صحنه هنر نوابغی که نبوغشان مکشوف توده‌ها باشد انگشت شمارند. «چارلی چاپلین» در زمره این نوابغ انگشت‌شمار است. آثار هنری چارلی در همین پیچیدگی ژرفی که در محتوا دارند، در شکل، آنچنان ساده و روان عرضه می‌شوند که ساده‌ترین مردم را شیفته خود می‌کنند. چارلز چاپلین که به «چارلی چاپلین» معروف است، در ۱۶ آوریل ۱۸۸۹ در لندن، از پدر و مادری آوازه‌خوان به دنیا آمد. در همان سنین کودکی پدر و مادرش را از دست داد و به همراه برادرش سالهای متمادی در جستجوی نان و کار، تنگدستی توده‌های مردم جامعه سرمایه‌داری انگلستان را تجربه کرد. «چارلی» شغل‌های گوناگونی اختیار کرد تا آنکه در تماشای خانه‌ای در لندن به همراه برادرش برای گذران زندگی به بازی در نقش‌های کوچک پرداخت. چندی بعد توسط یک گروه نمایش کمدی که کارشان اجرای نمایش‌های کوتاه همراه با عملیات آکروباتیک بود به کار گرفته شد و در این گروه بود که بسیاری از شوگردهای آکروباتیک را که بعدها برایش کاربرد زیادی پیدا کرده، فراگرفت.

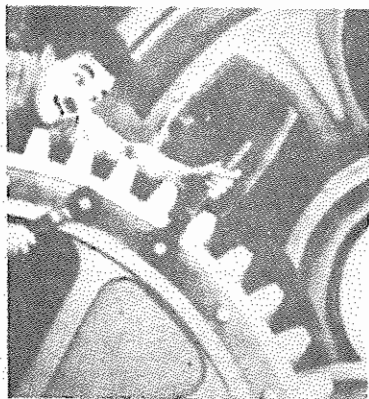
در سال ۱۹۱۰، «چارلی» ۲۱ ساله، به همراه همان گروه به

انسانهای پاک به روشنی، به نمایش گذاشته شده است.

حرکات شخصیتی که چارلی آفرید، هر کدام حاوی معانی همیق‌اند. حرکت شانه‌هایش به سمت بالا، بی‌اهتنائی او را به حوادثی که بر او تحمیل شده، نشان می‌دهد. چارلی در لباس توده آینده دار با بالا انداختن شانه‌هایش به این حوادث می‌خندد و با شادی خود را از آن‌ها می‌رهاند. چارلی در این لباس فرمانروایی ماجراهای زندگی خویش است نه فرمانبراراده دیگران.

شاهکارهای چارلی

اگرچه در اکثر آثار خنده‌آور نقشی از هم و تراژدی زندگی نرفته است، با این حال ابتکار آمیختن میان این دو جنبه متضاد و نمایش موفق آن بر پرده سینما، به دست چاپلین صورت گرفت. در بسیاری از آثار چارلی تماشاگر به همان شدتی که از چهره مضحک درون پدیده‌های «جدی» جهان سرمایه‌داری، از دل، می‌خندد، با همان شدت نیز از له شدن شخصیت انسانها در این نظام پوسیده متأثر می‌شود. و نیز به همان شدت در صحنه‌های همیقا



انسانی، هواطف انسان دوستانه‌اش به شور می‌آید.

بی تردید همه آثار چاپلین بویژه کارهایی که بین ۱۹۱۵ تا ۱۹۵۷ ساخته شد، در زمره شاهکارهای جهان سینما قرار دارند، اما سه فیلم «روشنایی‌های شهر»، «عصر جدید» و «دیکتاتور بزرگ» از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

چارلی در «روشنایی‌های شهر» خرپول‌های «خیر» را مسخره می‌کند و ژرفنای روابط پاک، شفاف و صمیمانه توده‌های زحمت را با شور انگیزی ویژه‌ای به نمایش می‌گذارد.

گفتاها

تواضع

”ژول رنار“ نویسنده فرانسوی گفته است: من با کمال تواضع اعتراف می‌کنم که متکبرم همچنین گفته اوست: انسان

باید نجیب باشد. فروتنی هم از لوازم نجابت است. هرگز نباید از فضایل خودمان گفتگو کنیم. اما ناچار باید بگوئیم که ما چنین هستیم و گرنه دیگران از کجا بدانند!

رشادت

در اروپا رسم بود که اگر کسی به دیگری توهین می‌کرد یا در انظار هموم او را سیلی می‌زد باید

کسی که به او توهین شده، طرف را به ”دوئل“ یعنی جنگ تن به تن دعوت کند و اهانت را با خون بشوید. از ”ژول رنار“ پرسیدند: شما هیچ وقت دوئل کرده‌اید؟ گفت: نه، اما سیلی خورده‌ام.

وسوسه‌های شیطانی

”ترستان بر نارد“ گفته است:

بهترین راه خلاصی از وسوسه‌های شیطانی این است که به آنها تسلیم شویم

خاصیت جمع

این ضرب‌المثل سه پاره‌یی در حق فرانسویان صادق است! یک

فرانسوی یعنی یک فرد هائل، دو فرانسوی یعنی بحث و گفتگو. سه فرانسوی یعنی بی‌نظمی و آشوب.

انسان و دیگران

”مناندر“ شاعر کمیک یونانی که در سال ۲۹۲ پیش از میلاد در گذشته است و صاحب کمدی‌های

متعددی نیز بوده در مورد جمله معروف سقراط که می‌گفت: خودت را بشناس تا خدای خودت را بشناسی می‌گوید: اینکه می‌گویند خودت را بشناس حرف خوبی است اما شناختن دیگران بهتر است.

مبارزه پارلمانی از نوع مسلحانه!

دلایل طرفین برای قانع کردن همدیگر ”قوی“ و ”معنوی“ نبود و رگهای قوی گردن هم برای ”حجت“ موثر نمی‌افتد، پای اسلحه کمربی به میان کشیده می‌شود و میانجی نگویند طعمه آتش خشم طرفین شده به ضرب گلوله از پا در می‌آید و جان به جان آفرین تسلیم می‌کند!

اعضای پارلمان ترکیه اگرچه غیرنظامی هستند اما اجازه حمل سلاح دارند. این واقعه در نخستین روز گشایش مجلس پس از یک تعطیل دو هفته‌ای اتفاق افتاد. ناظرین هلت اصلی این واقعه هبرت انگیز را شکست حزب حاکم ”پام وطن“ در انتخابات شهرداری‌های ترکیه ارزیابی کرده‌اند. حزب ”پام وطن“ در این انتخابات با اکتساب ۲۱/۹ درصد آرا شکست سختی را متحمل شد.

تاکنون رسم بر این بوده که مبارزه پارلمانی را نوع مسالمت‌آمیز مبارزه توصیف کرده‌اند. اما به تازگی نوع مسلحانه این شیوه مبارزه در کشور همسایه ما ترکیه کشف شده است.

موضوع از این قرار بوده است که در تاریخ ۲۹ مارس ۸۹، بحث و گفتگوی سختی بین دو تن از نمایندگان مجلس ترکیه در پارلمان درمی‌گیرد. بحث تندتر می‌شود و به مشاجره و سپس به مناظره‌ای سخت تبدیل می‌شود. کار آنقدر بالای می‌گیرد که طرفین به هیچ عنوان به کوتاه آمدن رضایت نمی‌دهند و به شخص ثالثی برای پایان گرفتن این مناظره نیاز می‌افتد. یکی دیگر از نمایندگان که نماینده حزب ”راه راست“ در مجلس ترکیه است به عنوان میانجی وارد گود می‌شود و چون



”بیائید برای جهانی آکنده از خرد مبارزه کنیم. جهانی که در آن علم و پیشرفت به سعادت همه ما خواهد انجامید“.

چارلی

برنده جایزه صلح

چارلز چاپلین خارج از دنیای سینما، فعالیت‌های اجتماعی نیز داشت که بویژه در فرهنگ سرمایه‌داری آمریکا ”گستاخانه“ و ”نامتعارف“ خوانده می‌شد. او در سال ۱۹۲۸ از قبول جایزه اسکار به خاطر فیلم ”سیرک“ خودداری کرد تا اعتراض خود را به معیارهای حاکم بر جامعه آمریکا بیان کند. در ۱۹۴۳ سخنرانی معروفی خطاب به مردم شوروی ایراد کرد که در آن حمایت خود را از آنان در برابر فاشیسم بیان داشت... و با چنین ”جرم“یایی بود که چارلی را در دادگاه ”کمیته فعالیت‌های ضد آمریکایی“ محاکمه کردند. سرانجام چارلی به اجبار در ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۲ آمریکار ترک کرد و مقیم فرانسه شد.

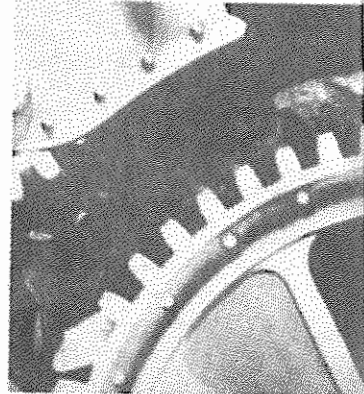
در سال ۱۹۵۴، جایزه نقدی ”شورای جهانی صلح“ به چارلی چاپلین به خاطر فعالیت‌های صلح طلبانه، ترقی خواهانه و ضدفاشیستی‌اش، تعلق گرفت و چارلی تمام آن را به مستمندان پاریس و لامیت بخشید. ****

اگر چه فیلم ”کنتسی از هنگ کنگ“ پایان مناسبی بر زندگی درخشان هنری چاپلین نبوده، اما در طول زندگی ۸۵ ساله زندگی او می‌توان ۵۴ سال فعالیت درخشان هنری مشاهده کرد. چارلی چاپلین در ۲۵ دسامبر ۱۹۷۷ چشم از جهان پرست.

”عصر جدید“ شاهکار مسلم هنری چارلی چاپلین است. تحلیل همیقی است از ریشه‌های در بدری، بی‌خانمانی، دزدی و فقر و فساد؛ تحلیل ژرفی است از پدیده ”از خود بیگانگی“ در نظام سرمایه‌داری. بیان گویایی است از نه شدن تولیدکنندگان اصلی جامعه یعنی کارگران، در زیر چرخ‌دنده‌های فول‌آسای کارخانه‌های بزرگ. تصویر واقع‌گرایانه‌ای است از سرمایه‌داری در بحران سالهای ۳۰.

کتاب سیر تحولی سینما نوشته جان هاور دلارسن و ترجمه محسن یلفانی، عصر جدید را این گونه توصیف می‌کند: ”در عصر جدید، مبارزه و لگد با نظم اجتماعی او را بیش از پیش به واقعیت‌های مبارزه طبقاتی نزدیک می‌کند. نوشته‌ای بر روی پرده ظاهر می‌شود عصر جدید، داستان صنعت و تلاش فردی - داستان جهاد بشریت برای رسیدن به خوشبختی.“

بسیاری از منتقدین سینما، ”دیکتاتور بزرگ“ را سیاسی‌ترین فیلم چاپلین و موفق‌ترین اثر او در بیان هنری و طنز آمیز



افکار سیاسی‌اش نامیده‌اند. ”چارلی“ در فیلم دیکتاتور بزرگ جهان را هشدار می‌دهد تا در برابر فاشیسم جنگ افروز، فاشیسم آزادی‌کش و انسان ستیز و فاشیسم خوف‌انگیز متحد شوند. قدرت تحلیل چاپلین و آینده‌نگری او بسیاری را واداشت که بگویند: ”دیکتاتور بزرگ“ یک پیشگویی سیاسی موفق است. چارلز چاپلین در کتاب ”سرگذشت من“ در باره فیلم دیکتاتور بزرگ چنین می‌نویسد: ”در هر حال تصمیم داشتم گنداب هرفانی آن‌ها را (فاشیست‌ها) در باب نژاد اصیل مسخره کنم“. در پایان فیلم دیکتاتور بزرگ، چارلی پیام می‌دهد:

سمت گیری بشردوستانه پرسترویکا

بقیه از صفحه ۱۲

مقدمند بوده است. ما برای آن بهای سنگینی نیز پرداخته ایم. آرمان‌ها و ارزش‌های سوسیالیستی اکنون تکیه‌گاه‌های بنیادین اخلاقی یافته‌اند و بخش مستحکم زندگی روزمره‌ها، اندیشه و احساس ما هستند. تبادل نظرهای امروزی درباره پرسترویکا بر سر آن است که ما جامعه سوسیالیستی را چگونه آرزومندیم و چگونه می‌خواهیم آن را گسترش دهیم.

اساس پرسترویکا بر این گرایش نیست که همواره با چیزی نو بدرخشد و بدون قید و شرط از گذشته جدا شود. پرسترویکا از زندگی به دست آمد، از خواست‌های جامعه، از این ضرورت که در حمل بیگانگی انسان نسبت به روند تولید و توزیع، نسبت به قدرت و کار خلاق را از میان بردارد، مواضع مصنوعی ایجاد شده توسط پراتیک نادرست و غیرمجاز را تخریب ساخته، محتوای ژرف پدیده‌ها را درک کرده، سیاست را بر اساس آنها تدوین کند، گرایش به سوی زندگی فعال و از نظر فکری پربار در انسان، و استعداد لازم برای آن را برانگیخته و رشد دهد. محتوای نو سازی در سوسیالیسم در این نهفته است.

انباشته تئوریک پرسترویکا و آمال‌های آن در روندی طولانی، پیچیده و ده‌ساله به وجود آمده است. این انباشته اکنون هر چه نیرومندتر به سیاست و زندگی ره می‌یابد.

کیفیتی نوین در اندیشه

پرسترویکا با تلاش برای خروج کشور از شرایط ایستا و شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی - اجتماعی آن شروع کرد. این وظیفه‌ها همانند گذشته وجود دارند. اما با تحلیل اساسی و همه جانبه، درکی نوین و همه جانبه تر از همت‌های اولیه پدیده پرسترویکا به وجود آمد. ما دریافتیم که جایگاه تاریخی پرسترویکا و اهمیت آن از چارچوب وظایف برای ثمربخشی هر چه بیشتر فراتر می‌رود. پرسترویکا آغاز مرحله‌ای نوین و بر اساس هئیت در رشد سوسیالیسم است که در آن سوسیالیسم کیفیتی نوین می‌یابد.

ما از عصر خود، به‌عنوان عصر پیروزی اندیشه سالم انسانی سخن می‌گوئیم، از واقع گرایی، از دوران خوداوری، خودارزیابی و خودشناسی، از شناخت جایگاه خود در جهان، از امکانات و

وظیفه‌های خود. تجربه‌های تحول سوسیالیستی برای اولین بار امکان شناخت مکانیسم‌های ژرف حفظ و تکامل زندگی اجتماعی و جداسازی مبانی واقعی و قانون‌های موجودیت اجتماعی انسان را از مبانی ظاهری، نشان دادند. بر اساس تجربه‌های کسب شده توسط سوسیالیسم جهانی شناخت وحدت، یگانگی دیالکتیکی در آنچه که در گذشته اصولاً یگانه و در طبیعت خویش آشتی‌ناپذیر (انتاگونیستی) می‌نمود، امکان پذیر گشت.

اول: درک‌های ابتدایی ساده لوحانه - رمانتیک از استعداد سوسیالیسم در این که خود را خود به خود در مسیری قطره‌به‌قطره بالاتر از این دلیل که سوسیالیسم پیشرفته‌ترین نظام اجتماعی است، تکامل خواهد بخشید، به درستی در هم شکست. امروز دیگر کاملاً آشکار است که در سوسیالیسم تحت شرایط خاص می‌تواند در جامعه شرایط ایستا بازگشت پدید آید.

دوم: در جامعه امروزی شوروی شکل‌های سازمان‌دهی کار، زندگی روزانه، رهبری و

مجموعه زندگی جامعه که در دوران‌های گذشته مورد استفاده قرار می‌گرفتند، هنوز وجود دارند این تنها شامل پدیده‌های ناخوشایند موجود نیست، بلکه شامل بسیاری از شکل‌های کاملاً معمولی زندگی نیز می‌شود. معمولی و قانونمند، البته برای جامعه‌ای فقیر و از نظر صنعتی عقب مانده و با سطح فرهنگ نازل. به رسمیت شناختن این مسئله به معنی تردید در سوسیالیسم و امکانات آن نیست، بلکه به مفهوم درک این است که سوسیالیسم به‌عنوان جامعه خودپوی خلاق، در قالب‌های منجمد نمی‌تواند موجودیت یابد.

سوم: می‌توان و باید از بحران شیوه بر خورد تکنوکراتیک و مکانیکی به امر تحول زندگی اجتماعی سخن گفت، شیوه‌ای که در آن رشد پایه، از شیوه به هدف تبدیل شده و این درک به راستی جان سخت فیرمارکسیستی در آن وجود داشته و برجسته است که گویا می‌توان زندگی اجتماعی و شکل‌های آن را به دلخواه تغییر داد.

چهارم: این درک فیر طبیعی خود را نمایان ساخت که گویا ثبات آنچه به دست می‌آید، پیش از هر چیز بستگی به ابعاد تخریب کننده آن دارد. سوسیالیسم به مفهوم گسترش و ژرف‌نشدن انسان و تمدن بر اساس تمام دستاوردهای مادی و معنوی نسل‌های گذشته است و نه ساختمان نوین شکل‌هایی از زندگی بر خرانه‌هایی در صحرا.

از صدها سال پیش برجسته‌ترین بشردوستان (هومانیتس‌ها) انسان را به تکامل بخشی خود فراخواندند. امروز ما در چارچوب پرسترویکا در حالی‌ترین سطح عملی پاسخ به این سوال را هدف خود قرار داده‌ایم: چگونه می‌توان به این هدف دست یافت که تمام ارکان جامعه اقتصاد، هر صله اجتماعی، علم، آموزش - در خدمت خود تکامل بخشی انسان و جامعه درآیند؟ به شکلی که دستاورد کار، خلاقیت و استعداد بیشترین ثمره را بیابد.

چرخش به وجود آمده در درک تمامی ژرف‌نشدن و پیچیدگی کاری که در برابر خود نهاده‌ایم، توسط تجربه‌ها و تعمق در آن‌ها و خواست پیشبرد اساسی آن، برای سلامت معنوی و برای ایجاد بشردوستی واقعی از اهمیت بسیار برخوردار است. این در اساس خود به معنای آن است که سوسیالیسم گسترش کامل یافته، از نظر معنوی و اخلاقی ژرف‌نشدن پدید می‌آید.

درک تمامی اندیشه‌های نوین که به یکباره هجوم می‌آورند، احساس‌ها، شناخت‌ها و کشف‌ها واقعیت‌های آرایش‌نیافته و مطالبات خشن زندگی، دشوار است، بسیار شوار تراست. وقتی آگاه می‌شویم که چه اندک میدانیم و می‌فهمیم آنگاه این امر را به روشنی خاصی احساس می‌کنیم. اما ما به‌این زندگی وارد شده‌ایم. پراهمیت‌ترین دستاورد معنوی سوسیالیسم کسب رنج‌بار این قابلیت است که خود را آنطور ببینیم که هستیم، واقعیت‌ها و انتقاقات را همانطور ببینیم که در حقیقت هستند و به این شناخت دست یابیم که آرمان‌های شایسته، می‌توانند واقعیت زندگی شوند و نباید رویاها بی‌امید باقی بمانند.

یکپار چگی، ولی نه تک قابلی

هم‌ترین آموزش حقیقت، این احترام بود که ما در شرایط پیش از یک وضعیت بحرانی به سر می‌بریم و دیگر به شیوه گذشته قادر به ادامه زندگی نیستیم.

جامعه و حزب گام به گام به این ارزیابی

دست یافتند. وقتی در گزارش سیاسی میخائیل گارباجف به بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی هوامل ساختاری مشکلات کشور به روشنی بیان گشته و به عدم تطبیق روابط تولیدی با مطالبات هئیتی رشد نیروهای مولده اشاره شد، تعداد زیادی بطور قریزی علیه چنین ارزیابی از موقعیت موضع گرفتند.

بسیاری امروز نیز در این رویا هستند که گویا دشواری‌ها تنها از آنجا ناشی میشوند که در رهبری پیشین کشور کمبود ابتکار و فرهنگ وجود داشت، عدم قاطعیت بود و این که علیه ابتذال و آزمندی مصونیت موجود نبود. گویا ما اکنون به سرعت به پیش خواهیم رفت، چنانچه حزب تصفیه شده و انضباط روحیه رزمندگی و سازمان‌دهی حاکم شوند.

این گرایش در نظر اول به هنگام ارزیابی انتقادی گذشته تاثیرگیری بر جا می‌گذارد، حتی تاثیری رمانتیک (چرا که بهترین خصوصیت‌های انسان را فرا میخواند)، اما این گرایش در عمل به سدر راه پرسترویکا بدل شد. زیرا اگر همه چیز تنها به اخلاق فردی و خصوصیات انسان وابسته باشد، دیگر انسان نیازی به تغییر نه در اقتصاد و نه در نظام سیاسی دارد.

با این وجود توجه همومی جلب شده به انتقاد اخلاقی به دوران ماندگی و توقف، ثمره‌های معین برای برخی پروژه‌های مربوطه توزیع به همراه داشته است. این انتقاد مجدداً حفظه کاری درونی خشونت (ریگوریسم) اخلاقی را آشکار ساخته، ما را و می‌دارد، هوامل ساختاری دشواری‌های کنونی را تحلیل کرده و تضادهای ژرف نظام اقتصادی و سیاسی موجود را کشف کنیم. این امر ما را به تیزبینی بیشتر جهت ارزیابی وضعیت در کشور و علاوه بر آن به صراحت در نام بردن از پدیده‌ها و ادار ساخت: روندهای تجزیه روابط اجتماعی و اقتصادی، بی‌تفاوتی رو به رشد در برخورد به کار، احساس همومی رو به فزونی بی‌تفاوتی، کاهش سطح بازدهی، تنزل فرهنگی، خالی گشتن روستا از دهقان، بیگانگی توده‌ها از قدرت، از زندگی رسمی سیاسی و کشاکش فیر طبیعی میان قدرت و روشنگران.

قدرت و ژرف‌نشدن حقیقت علیه لاپوشانی حقیقت و علیه باز مانده‌های سوسیالیسمی یک سان ساز به پاخاستند، اندیشه را تکان داده و وجدان انسان‌ها را ایستاد ساختند.

این شوخی سر نوشت است که جامعه شوروی در آغاز دهه هشتاد روشن و آشکار درستی آموزش مارکس را تأیید کرد که روابط تولیدی می‌توانند به کفش تنگی برای رشد نیروهای مولده بدل گردند. وضعیت در ظاهر نو این بود که امکان رشد چنین پدیده‌های سوسیالیسم خود را اثبات کرد.

وقتی انسان پدیده‌های منعی در کشور ما را تحلیل میکند، متوجه می‌شود که مکانیسم‌های خاصی اساس آن را تشکیل داده، سدر راه ابتکار و مسئولیت فردی می‌شوند. روی دیگر بسیاری از روش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مکانیسم‌ها و روندهای به کار گرفته شده از سوی ما این است که خلاقیت، گسترش شخصیت، تصمیم‌گیری آزاد درونی و به همراه آن زندگی معنوی نیز، محدود شد. به جای روند قابل انتظار تجزیه دولت توسط جامعه و شهر و ندان، یگانگی تولیدکنندگان، تجزیه جامعه شهر و ندان توسط

دولت و تحت سلطه آن با سیاست دیکته ساختارهای بوروکراتیک بدست آمد. در ست به همین دلیل است که ایجاد مکانیسم های واقعی محافظه علیه سوءاستفاده از قدرت امکان پذیر نشد.

اصل مقدس برابری انسان ها و عدالت اجتماعی در سوسیالیسم، به شکل های یکسان سازی انسان ها، بی تفاوتی در برابر نتایج کار، در های همیق میان بازده کار و دستمزد و میان بازده فردی و کیفیت زندگی پیاده شد و به مکانیسمی در جهت محدودسازی خلقت، ابتکار و توانایی تخصصی تبدیل شد. به نفع افراد تنبل و منفعل، محکومیت به حق اخلاقی سرمایه داری شخصی به نوبه محکومیت انسان های دارای روحیه مدیریت و ابتکار، به محکومیت زحمتکشان با اندیشه خلاق سالم و محکومیت کارگران مبتکر بدل گشت.

تنها این واقعیت دست کم گرفته نشد که جامعه پیچیده است، که منافع چندجانبه غیر قابل پیشگیری وجود دارند که باید آنها را با یکدیگر پیوند داده، هماهنگ ساخت، کم تر از آن نیز درک شد که این ها برای رشد، برای پیش رفت مداوم جامعه و به وسیله از سر گذاردن تضادهای طبیعی آن اهمیت حیاتی دارند. چرا که بدون توجه به سایر عوامل، تضاد، این موتور، این نیروی محرک پیش رفت اجنهای، تنها توسط چنین تنوع منافع بوجود آمده و پدیدار می گردد. از این رو وحدت جامعه سوسیالیستی چیزی از نظر کیفی کاملاً متفاوت با یکسان سازی مکانیکی است. پیش از آن حتی این وحدت نقطه مقابل چنین یکسان سازی و با آن غیر قابل همخوانی است. سوسیالیسم تنها تحولی زرق در زندگی اجتماعی، نو سازی انقلابی آن و تحول در مجموعه ساختار آن نیست. سوسیالیسم بشر دوست است، هم از نظر گاه هدفهای آن و هم در رابطه با خلعت راه های رشد و تکامل آن.

این یک دلیل دیگر است که چرا پراتیک سالهای دهه سی و چهل قاطعانه رد می شوند. این پراتیک به انفعالی در جامعه انجامید، به این که بخش های تشکیل دهنده آن همواره بیشتر به مقابله با یکدیگر کشانده شدند. در حالی که سوسیالیسم به معنای وحدت جامعه یکپارچگی تمام اعضای آن در رابطه با اساسی ترین و مهم ترین مسائل و در همین حال تنوع امکان پذیر زنده و ضروری اندیشه ها در رابطه با تنوع مجموعه مسائل مشخص است. سوسیالیسم به معنای استحکام جامعه به معنای این توانایی و آرزو است که انسان هائی را که نظر دیگری دارند، قانع سازد، به نظرات آن ها گوش فرادهد و منافع قانونی و مجاز آنها را تامین کند. تنها در این صورت است که جامعه در سازمان مشخص تاریخی خویش چهره واقعا شایسته انسانی خواهد یافت.

برای کثرت گرایی سوسیالیستی عقیده، تنها یک معیار می تواند وجود داشته باشد: مبنای سوسیالیستی اهر چیز دیگری هر صه طبیعی و هادی تنوع زندگی است که در سوسیالیسم پر بارتر، همه جانبه تر، کاملتر و برجسته تر می تواند موجود باشد و باید باشد.

بر خورد عقیده ها، احساس ها و منافع امری غیر قابل پیشگیری است. از همین رو است که هنر رهبری سیاسی با این مقیاس سنجیده می شود که بر سر اساسی ترین و مهم ترین مسائل اختلاف نظری وجود نداشته باشد در همین حال نیز انسان هائی نباشند که از جامعه جدا شوند.

در این میان این سؤال طرح می شود که آیا مادر حال حاضر بحرانی در سوسیالیسم را از سر می گذرانیم. شاید بهتر می بود از طریق رشد سخن گفته می شد، آنگونه که در یک جامعه حتی در سوسیالیسم می تواند وجود داشته باشد. اگر

ما مرحله کنونی در رشد جامعه شوروی را مرحله هطف بنامیم، آنگاه می توانیم از بحران رشد سخن گوئیم.

بحران رشد زمانی پدیدار می شود که شکل های در گذشته ایجاد شده زندگی اجتماعی پراتیک و مطالبات در حال تحول ووظایف زمان در تضاد قرار گیرند. البته وجود چنین تضادهایی به تنهایی به مفهوم بحران نیستند. وقتی جامعه یا انسان وضعیت پیش آمده را به موقع تشخیص ندهد و یا اقدام های موثر به موقع به عمل نیاورد و یا وقتی هر دو آنها با هم پیش آیند، آن گاه بحران رشد پیش می آید. چنین روندهایی در جامعه ما پیش از پرسترویکا پدیدار شدند. دوران ایستایی به نیروی محرک ایجاد بحران تبدیل شد.

در این امر یکی از مهم ترین آموزش هایی نرفته است که حزب کمونیست اتحاد شوروی از دوران توقف و ایستایی فرا گرفته است: در جامعه سوسیالیستی باید آن شرایط اجتماعی، سیاسی و معنوی فراهم آورده و رشد و تکامل داد که توقف روندها را مانع گردد و تضمین کند که کاهلان آسایش نیابند، آنها می که تنها به فکر منافع خود هستند، خنثی شوند و هر چه مثبت و سالم است، در خدمت منافع جامعه قرار گیرد. و به این وسیله رشد اجتماعی را شتاب داده، باعث شود که ذخیره های درونی و امکانات گردآوری شوند و البته با شیوه هایی را که هر چه اخلاقی، انسانی و سوسیالیستی است تقویت کند.

وقتی انسان درباره پی آمدهایی می اندیشد که دوران استالین برای کشور ما و سوسیالیسم به بار آورد، تنها می تواند یک توضیح برای آن بیابد. توضیحی نه توجیه گرانه، بلکه روشنگر. یعنی: کمبود دانش و تجربه و زلالی جذاب و اخلاقی انقلاب سوسیالیستی و اندیشه سوسیالیستی که تحت شرایط دوران وحشتناک استالینی حتی در پنهان ترین زوایای ذهن به این اندیشه میدان نداد که این انقلاب بتواند به تنگ آلوده شده باشد و آن هم به این آسانی و راحتی. اکنون از این تجربه و شناخت ناشی از آن برخوردار هستیم. اکنون باید جسارت نشان بدیم و با قاطعیت به عمل دست زنیم.

پرسترویکا یعنی تولد دوباره لنینیسم

کلاسهای مارکسیسم به هنگام توصیف نظام اجتماعی نوین به دفعات واژه های عقل، رفاه، شخصیت و خوشبختی را به کار برده اند...

لنین به هنگام تحلیل تجربه ها دو نوع عامل را برای شکست استراتژی کمونیسم جنگی نام برد. او از یک سو خود و حزب را به خاطر بی تگری، عجله، زیاده خواهی، سرسختی و کمبود تحرک، به خاطر تلاش برای گذار فوری و بدون چون و چرا به جامعه خالص کمونیستی شدیداً مورد انتقاد قرار داد. از سوی دیگر او از کمبود برخورد خلاق به مارکسیسم، به استقلال، به تصمیم گیری های نو و با درایت سخن گفت که باعث شد خطاهای ناشی از ارزیابی نادرست از استراتژی اقتصادی کمونیسم جنگی تشدید شوند. او در آخرین سالهای زندگی خویش به طنز از کمونیست هایی سخن می گفت که امیدوار بودند پاسخ های تمام سوالات پیش آمده در روند ساختمان جامعه نوین را از دماغ کس بیابند...

تفسیر در برداشت های مختلف از سوسیالیسم که در این نوشته ما سخن از آن می رفت، با تجلی کاملتر و قاطعتر ماهیت بشر دوستانه (هومانستی) مارکسیسم در برنامه های آن برای تحول در جامعه ارائه شد. لنین یادآور آن شد که پیشرفتی که به رفاه بیشتر زحمتکشان به افزایش انگیزه آنان به کار و به کار خلاق نیانجامد، در اساس خویش پیشرفت نیست. در برداشت

نوین از سوسیالیسم، وظیفه ایجاد محرک هایی برای کار به عنوان شرط قاطع حفظ سطح زندگی اهمیت در جه اول پیدا کرد. لنین نوشت: "ايجاد محرک برای کار، مساله ای پر اهمیت و دشوار برای سوسیالیسم است". و در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ قاطعانه به مخالفت با "تخریب" انقلابی، تحریک به کار برد زور و تلاش هایی که می خواستند شکل هایی از زندگی کمونیستی و کار را به اجبار و با کمک ارگان ها از بالا پیش برند، برخاست.

لنین توضیح داد که ماهیت فلسفی خطاها در استراتژی کمونیسم جنگی و در طرح اولیه ساختمان سوسیالیسم در مطلق کردن مبارزه اضداد بوده است. بدینرو به دیالکتیک وحدت درونی تضادها توجهی ننشد، کاربرد زور مطلق شد و استقلال و رابطه متقابل میان پدیده ها از هم تفکیک شد به همین دلیل بسیاری از عوامل پیشرفت در نظر گرفته نشدند، به امکان همزیستی ویژگیهای مختلف اجتماعی و تاثیر بخشی آنها بر یکدیگر کم توجهی شد.

یک ویژگی استراتژی نوین رشد سوسیالیستی که لنین در آخرین نوشته های خود تصویر کرد، درست در همین تلاش در جهت استفاده از وحدت متضاد نو و کهنه برای رشد کشور بود. آنچه که به طور معمول "انپ" نامیده می شود، در ماهیت فلسفی - اجتماعی خویش آموزش پیوند آگاهانه و خلاق بیان اضداد بود. لنین به عنوان اولین مارکسیست قرن بیستم تشخیص داد که در واقعیت مکانیسم های پیشرفت و گذار از جامعه کهن به جامعه نوین، پیچیده تر از آن است که سوسیالیست های قرن نوزدهم در اندیشه خویش متصور بودند.

این شناخت که برای پیشبرد نو، باید راه هایی جست که بر اساس کاربرد زور نیستند و هدف دهن مبانی زندگی و تخریب پدیده های با هم متضاد را ندارند، سیاست داخلی و خارجی کاملاً نوینی را پدید آورد و باعث ارزیابی جدید از موقعیتی که در جنبش بین المللی کارگری پدید آمده بود، بر پایه برداشتی نوین از سوسیالیسم گردید...

تصویری که لنین در آخرین نوشته های خود از سوسیالیسم ارائه می دهد، از تنوع رنگین زندگی برخوردار است. انسان در این تصویر کوچکترین نشانه ای از یکسانی درک قالبی نمی یابد.

اقتصاد نوین خود را به صورت نظام سازش های استراتژیک و پایه ای، به صورت تاثیر متقابل در پراتیک، رابطه میان منافع شخصی، گروهی و اجتماعی، میان اقتصاد برنامه ای و آزاد، میان روش های اداری و اقتصادی مدیریت تولید، میان مالکیت اجتماعی با شکل های گوناگون بهره وری توسط گروه ها، خانواده ها و بهره وری توسط ابزار تولیدی دولتی شده، به عنوان مثال زمین، نشان داد. افراق خواهد بود چنانچه بگوئیم لنین موفق شده بود تمامی اصول درک نوین از سوسیالیسم را تدوین کند، تحول در درک اهداف و محتوای تاریخی اکتبر در نزد او تازه شروع شده بود. مرگ او را از تجزیه و تحلیل اولین تجربه های نو سازی کمونیستی زندگی اجتماعی باز داشت. با این وجود میتوان به حق و با حرارت گفت که در آخرین کارهای لنین، به ویژه در آن مجموعه که ما آن را به عنوان "وصیت نامه سیاسی" می نامیم، تمام جهات اساسی گذار به سوی درک مطابق با زمان از سوسیالیسم تصویر شده اند و از این نظر گاه او از زمان خویش فاصله زیادی رو به جلو داشت.

تائید این امر که طرح دوم لنین برای ساختمان سوسیالیسم از نظر ساختاری کامل بود، دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی این طرح هستند. از دیدگاه پیشرفت اقتصادی، خودگردانی اجتماعی و جایگاه معنوی جامعه!

شخصیت مستقل و برجسته تنزل یافت؟ ما امروز تلاش می‌کنیم برای این سوال‌های دشوار، پاسخ بیابیم. پیش از همه به این خاطر که خود را از سقوط به دشمنی با روشنفکران حفظ کنیم. در مرحله کنونی رشد سوسیالیسم و مجموعه تمدن بشری این امر خود را به روشنی بیش از گذشته نشان می‌دهد که چه اندازه خطرناک و غیرطبیعی است اگر منافع رشد سوسیالیسم را در مقابل منافع خلاق روشنفکران قرار دهیم.

بدون آزادی فکری، بدون توجه به کاوش روشنفکری، حفظ گذشته و دستاوردهای فرهنگی آن غیرممکن است. هر تلاش جهت ایجاد محدودیت برای اندیشه و بیان عقیده‌های مختلف، در نهایت امکانات رشد را محدود ساخته، به سوی سرکوب ابتکار و گسترش بی‌تفاوتی و انفعال به سوی تحریف حقیقت ره خواهد سپرد.

بادست برداشتن از نوسازی، پرسترویکا و روند دمکراتیزه کردن، مسایل سیاسی و فرهنگی و معنوی تمام جامعه بسرعت خود را طرح خواهند کرد. بدون ایجاد و رشد خصالت‌هایی چون احساس فرور شخصی، استقلال، احساس مسئولیت در اندیشه، در گفتار در کردار، انجم وظیفه شهروندی، بدون وجدان و صداقت، انعطاف و بشردوستی، ابتکار و توانایی‌ها و یک اخلاق عالی، یک سوسیالیسم کامل امکان پذیر نیست. نه تنها این مورد، بلکه وجود این خصوصیت‌ها امروز به یکی از عوامل رشد و پیشرفت تبدیل میشود. عدم وجود آن ایجاد عامل ترمزکننده و محافظه‌کاری را سبب خواهد شد.

امروز در راه پرسترویکا دشوارتر و خطرناکتر از همه، چیست؟ من می‌خواهم بر دو عامل تاکید کنم.

اول: تندروی‌ها، تاریخ‌ها ثابت کرده‌است که تندروی‌ها چه آسان تحت شرایط پیچیده، در نقاط حلقه رشد تاریخی خلق‌ها، با هم پیوند می‌خورند. تاریخ همچنین نشان داده‌است که تا چه حد تندروی نسبی خاصی به نفع تندروی دیگری عمل می‌کند. و وقتی پرسترویکا بر اساس شرایط ایجاد شده در جامعه ما پیش از همه به معنای مبارزه با هر پدیده‌ای از محافظه‌گرایی است، پیش‌های حساب نشده، تندروی چپ و تعجیل نیز کم‌ترین زیان بار نیستند.

دوم: از دیگر دشواریها و خطرهایی که در مقابل ما قرار دارند و باید به آنها اشاره کرد، ماندن در انتظار معجزه و پیش‌آمدن امر خیر است. تفکری ساده‌لوح که گمان می‌کند تنها با گفتن واژه پرسترویکا، سه‌بار دست‌ها را به هم زدن و چند بوروبوکات و دزد زرافار دادن، همه کارها درست خواهد شد. این که از یک جایی -از بالا از مسکو یا هر جای دیگر یک هموی خوب می‌آید و همه مشکلات را حل می‌کند.

ما به همل و بازهم به همل نیاز داریم. پرسترویکا فقط با مقیاس همل‌ها سنجیده خواهد شد و نه با هیچ مقیاس دیگری. در سال‌های اخیر دستاوردهای زیادی کسب شده‌اند: یک جوانین معنوی در کشور، یک احساس نوین جمع‌گرایی در انسان‌ها، اتقی وسیع در آگاهی اجتماعی، آن هم به شکلی که ما تاکنون نداشته‌ایم، رشد محسوس در ساختمان خانه‌های جدید و مراکز فرهنگی و اجتماعی، روندهای سالم‌سازی که در اقتصاد و بخش مالی پیش‌میروند، بیش‌سیاسی نو و همل مطابق با آن در سیاست خارجی، یک نوسازی ژرف و بازسازی نظام سیاسی و حزب ...

ما بر درستی راه در پیش گرفته شده از جانب خود اعتقاد داریم. ما به نیروی خود اطمینان داریم. ما می‌دانیم که حرکت ما بر اساس زندگی است و آرمان‌ها و ارزش‌هایی را در نظر داریم که تمدن بشری ایجاد کرده و توسط سوسیالیسم بر گرفته شده‌اند. آرمان آزادی و رفاه انسان زحمتکش!

می‌کرد.

استالین با این روش در سال ۱۹۲۹ "اساس فلسفی" سیاست سرکوب و خودتأبودی ملی را تدوین کرد. اجبار و نوهی نظام متکی بر ترس حاکم شدند. به جای برنامه لنینی پیوست داوطلبانه و از پایین در کلکتیوها و اقدام کار آزاد دهقانان و صنایع دولتی سوسیالیستی، سیاست "پیشبرد" کلخوزها و سوخوزها در پیش گرفته شد. سیاست مبارزه تلخ میان پروتلاریا و دهقانان فقیر علیه دهقانان تک‌زمین و میان حال به‌جای سیاست لنینی وحدت طبقه کارگر با دهقانان زحمتکش و پیش از همه با دهقانان میانه‌حال در پیش گرفته شد.

و سرانجام استالین خواستار آن شد که در سیاست کمینترن به جای اندیشه لنین سازش محتاطانه و زدن پل به سوی سوسیال‌دمکراسی، مبارزه علیه عناصر راست در احزاب کمونیست شدت یابد و برای "مبارزه‌های طبقاتی جدید" فراخواند که "بدون پیروزی بر سوسیال‌دمکراسی قابل پیشبرد نخواهند بود."

استالین بر اساس این موارد نه تنها دستاوردهای لنینیسم را مورد تجدیدنظر قرار داد، بلکه ماهیت شر دوستانه مارکسیسم را نیز ریود. محتوای انسانی نوسازی سوسیالیستی در سایه روش‌ها، در سایه تفکر اجتماعی کردن مطلق به عنوان هدف و در سایه حاکمیت همه‌جانبه مرکزی قرار گرفت.

از این روست که پرسترویکا احیای دوباره لنینیسم را نیاز دارد. ما به لنین واقعی نیازمندیم، رها از تمامی برداشت‌های نادرست بعدی و ما به مطالعه مجدد لنین نیازمندیم. لنین در آستانه رشد، در دینامیک اندیشه نیرومندش، لنین به عنوان یار زنده در تحلیل مشکلات امروزی ما!

سوسیالیسم یعنی شناخت

سوسیالیسم در ابتدا بایک نظریه بزرگ اجتماعی آغاز شد. پس از آن به‌طور اجتناب‌ناپذیر دوره ارزیابی آن توسط پراتیک پیش آمد. اما سوسیالیسم تنها پراتیک نیست. سوسیالیسم به عنوان جامعه‌ای که هندمند و بر مبنای علمی ایجاد میگردد، پرسوهای از شناخت است، شناخت قوانین کارکرد دور شد خود! ...

پذیرش این واقعیت که سوسیالیسم، خلاصیت توده‌ها، امر مربوط به توده‌ها و رشد آنها است، نه تنها در تئوری، بلکه در پراتیک برای همه ما، دانشمندان و کارکنان حزبی کمی دشوار است. در حالی که راه دیگری نه تنها برای حل مسایل امروزی، بلکه - و به‌ویژه - اگر بخواهیم سوسیالیسم را قابل رقابت کنیم و اگر بخواهیم آن را طوری بسازیم که دارای بالاترین بازده اجتماعی و منابع نیروی محرکه درونی برای رشد خود باشد، وجود ندارد.

یک ویژگی خاص سوسیالیسم نوسازی شده نقطه همل ایجاد شده در روابط میان حزب و روشنفکران است. می‌توان گفت که در اتحاد شوروی اتحاد میان رهبری سیاسی و روشنفکران یک دستاورد بلنوم آوریل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۵ و اولین پیروزی سیاسی آن بود. این امر سهم زیادی برای تضمین ایدئولوژیک و اخلاقی تحولات دمکراتیک ابفاهی‌کند.

این تصادفی و غیرقابل انتظار نبود که بهترین نمایندگان روشنفکران به ستادهای انقلاب پروتلری در تمام کشورهای سوسیالیستی تعلق داشتند.

چه زمانی و تحت چه شرایطی و به تقصیر چه کسی بود که گرایش‌های متکی بر همل انسانی بیدار نشده توسط سوسیالیسم، به خود بزرگ بینی سطحی، عدم توجه به استعدادها و رد

اقتصاد کشاورزی و صنعتی سریعتر از همیشه در تاریخ روسیه رشد کردند. کشور شاهد انفجار در خلاصیت فرهنگی و معنوی جامعه به معنی واقعی کلمه شد. اخلاق اجتماعی و شکل‌های سنتی روابط میان انسان‌ها که در خلق وجود داشتند و در سالهای جنگ داخلی روبه‌زوال رفته بودند، باسرت زیادی مجدداً حاکم شدند.

گذار از سیاست نوین اقتصادی، از استراتژی منعطف لنینی ایجاد مداوم میانی نو زندگی به مشی استالینی تسریع ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی سال ۱۹۲۹ بایک بحران همراه نشد. این امر به هیچ‌رو از گرایش‌های درونی رشد اقتصاد که در شرایط نپ به وجود آمده بود، پدید نیامد و همچنین این پدیده به هیچ عنوان ادامه اصول استراتژیک حزب که تحت رهبری لنین در اوایل سالهای ۲۰ تدوین شده بودند، نبود.

منافع میلیون‌ها زحمتکش و رشد کشور و همچنین منافع سوسیالیسم و جنبش بین‌المللی کارگری قربانی کیش شخصیت و قدرت طلبی سیاسی استالین و اطرافیان نزدیک او شدند.

اکنون که ما سرپوش‌های روانی نادیده‌گرفتن گذشته را به کناری نهاده‌ایم، در شرایط صراحت و دمکراسی، تازه شروع به درک این امر کرده‌ایم که استالین تا چه حد رؤف و همه‌جانبه در لنینیسم تجدید نظر به‌همل آورده بود. این شناخت نوین دستاورد کار آگاهانه در خدمت خلق و سوسیالیسم است که پرسترویکا موجب شده است. امری که هلاکه زیاد به گذشته را نشان می‌دهد. تحلیل شرایط کنونی و گذشته به این امر تاریخی منجر شد این مساله اندیشه شهروندی، احساس مسئولیت و نیروی دستگاه علمی مارکسیسم - لنینیسم را افزایش میدهد.

مشی جدیدی که استالین در بلنوم آوریل کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) در سال ۱۹۲۹ در سخنرانی خود تحت نام "درباره انحراف راست در حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک)" پیشنهاد کرد، در ماهیت خویش تخریب استراتژی لنینی ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی را موجب شد مبنای اساسی و ارزش‌های تئوری سوسیالیسم لنین مورد تجدیدنظر اساسی قرار گرفتند.

روح، دریافت‌های فرهنگی و سمت‌گیری سیاسی فعالیت حزب تغییر یافتند. به جای سیاست تحکیم پرنسپ‌های کار در زندگی، که لنین فراخوانده بود، استالین گرایش‌های یکسان‌سازی در حزب و جامعه را تقویت کرد، نفرت و عدم اهتمام سیاسی به هرکس که خوب کار می‌کرد را تحریک کرد. استالین آموزش مارکسیستی - لنینیستی دمکراسی را مورد تجدیدنظر قرار داد. او با تحریف در واژه طبقه و با این روش که تئوری شکل "عالی" و شکل "پست" مالکیت اجتماعی را تدوین کرده است "پایه تئوریک" برای سیاست محدودیت حقوق سیاسی دهقانان پدید آورد. در چنین شرایطی هر گونه ضرورت گذار به دمکراسی گسترده و بدون واسطه زحمتکش، به خودگردانی خلق و دولت قانونی نقی شد.

استالین به‌جای سیاست لنینی گذار به صلح داخلی، کشور و حزب را به آشتنگی و کاربرد زور سوق داد. او این اندیشه تروئسکی را به‌کار گرفت که گویا با تحکیم میانی سوسیالیسم مبارزه طبقاتی شدت می‌یابد و نابودی فیزیکی تمام بازمانده‌های طبقاتی کهنه را فراخواند. استالین اندیشه هماهنگی منافع و رابطه آگاهانه میان اعداد را به زیر پا نهاد. عامل وحدت آنها اساساً از آموزش دیالکتیک حذف شد. استالین مارکسیسم را به عنوان آموزش مبارزه آشتی‌ناپذیر طبقات و ضدیت منافع آنها درک

تحریک عناصر ضد شوروی در جمهوری گرجستان

جمهوری شوروی گرجستان در هفته گذشته شاهد درگیریهای خونین بود. روز یکشنبه ۹ آوریل تظاهرات ضد شوروی که چندین روز ادامه داشت، به زود خورد خونین انجامید. درگیری تظاهرکنندگان با ارگانهای انتظامی ۹ نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند.

این ناآرامیها به دنبال برخی حرکات در جمهوری خودمختار آبخازی با هدف جدایی این آرد. در تظاهرات روز یکشنبه در تفلیس یکی از شعارهایی که سازمان دهندگان می دادند این بود: "در مقاومت علیه ارگانهای دولتی نه از خونریزی صرف نظر کنید و نه به زندگی اهمیت دهید." خواست تظاهرکنندگان جدایی جمهوری شوروی گرجستان از اتحاد جماهیر شوروی بود.

مطبوعات غربی گزارش دادند که تظاهرکنندگان پرچم گرجستان پیش از انقلاب اکتبر را به احتزاز در آورده بودند. گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت امور خارجه اتحاد شوروی در مصاحبه مطبوعاتی گفت که از روز دوشنبه حالت فوق العاده در تفلیس برقرار شده است. او شایعه استفاده از سلاح گرم توسط ارگانهای امنیتی را که توسط خبرگزاریهای غربی پخش شده بود، تکذیب کرد.

برخی از روزنامههای اروپا گزارش دادند که از سلاح گرم استفاده نشده است و بیشتر کسانی که کشته شده اند، در میان درگیری زیر دست و پای جمع مانده اند.

گراسیموف در مصاحبه مطبوعاتی دیگری گفت عناصر افراطی ناسیونالیست به کاره سنگ، سرنیزه و میله های آهنی مسلح بوده اند.

ادوارد شواردناده وزیر امور خارجه اتحاد شوروی که قبلا دبیر اول حزب کمونیست گرجستان بوده و از محبوبیت خاصی در میان مردم گرجستان برخوردار است، سفر خویش به برلین پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان و بن پایتخت جمهوری فدرال آلمان را به تاخیر انداخت و به تفلیس پرواز کرد. در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان جومیر پاتیا شویلی دبیر اول حزب از مقام خود کناره گیری کرد. گیوی گباریدزه به عنوان دبیر اول آن انتخاب شد.

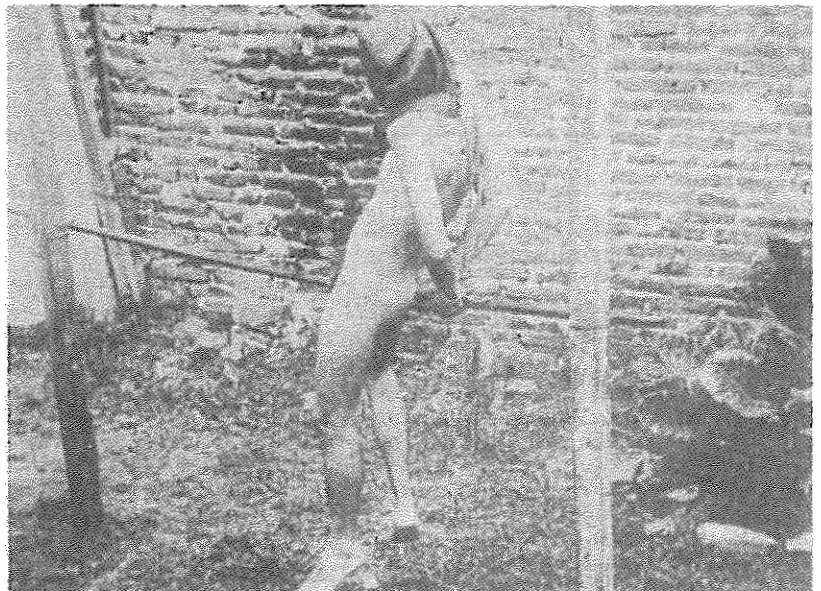
بنابر آخرین گزارشها، آرامش در گرجستان حاکم است. در روزهای ملی که در هفته گذشته اعلام شد، جنازه کشته شدگان دفن گردید و تمام پرچمها به حالت نیمه اهتزاز درآمد.

در پی تحریکات اخیر در گرجستان، قانون جزایی درباره فعالیت های ضد شوروی تشدید شد. از این پس این گونه حرکات تا سه سال زندان به دنبال خواهد داشت.

اروگوئه: همه پرسى پیرامون بخشش شکنجه گران دولت نظامی

روز ۱۶ آوریل در اروگوئه یک همه پرسى برای محاکمه یا بخشش نظامیانی که در دوران دیکتاتوری نظامی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵ مرتکب شکنجه یا جنایت شده اند، انجام یافت. دولت لیبرال حزب کنرادو و بخشهایی از حزب محافظه کار ملی دو سال پیش قانون بخشش نظامیان را تصویب کرده بودند. اکنون این همه

پرسی تحت فشار افکار همومی و احزاب چپ متشکل در جبهه "فرته آمپلیو" صورت می گیرد. خانم ماتیلده رودریگز مبتکر این همه پرسى بارها دولت را فرا خوانده بود، پیرامون این قانون به افکار همومی مراجعه کند. هنوز نتایج همه پرسى اعلام نشده است.



صحنه ای از شکنجه در زندان های اروگوئه در دوران دیکتاتوری نظامی

چین خواهان تشکیل

دولت ائتلاف و وسیع در افغانستان

لی پنگ نخست وزیر جمهوری خلق چین اعلام کرد تشکیل دولت ائتلاف وسیع با شرکت تمام نیروهای سیاسی افغانستان تاثیر قاطع بر روند برقراری صلح در افغانستان خواهد داشت. با این بیان جمهوری خلق چین به نیروها و کشورهایی که تشکیل دولت ائتلاف وسیع در افغانستان را راه حل بحران این کشور می دانند، می پیوندد.

خبرگزاری باختر گزارش داد که نیروی ضدانقلاب جبهت تسخیر شهر جلال آباد ۳۵ هزار نفر گردآورده و از سه سو شهر را مورد حمله قرار داده اند. نیروی هوایی افغانستان ضمن عقب راندن مهاجمان تلفات سنگینی به آنان وارد آورده است. هدف مهاجمین در تسخیر جلال آباد، روی کار آوردن دولت قلابی خود و رسمیت بخشیدن به آن است. ضدانقلاب افغانستان تا کنون هر گونه پیشنهاد صلح و مذاکره را رد کرده و هم چنان به جنگ بردار کشی ادامه می دهد.

ایجاد نظام اجاره ای

در اتحاد شوروی

شورای عالی اتحاد شوروی طرح ایجاد نظام اجاره ای بطور آزمایشی را تصویب کرد. بر اساس این طرح کلکتیوها و افراد می توانند زمین های کشاورزی واحدهای صنعتی کوچک، دام، ماشین آلات کشاورزی، ساختمان های مختلف، هواپیما و... را تا مدت ۵۰ سال و یا بیشتر از دولت اجاره کنند. مورد اجاره و مدت آن با در نظرگیری توان اجاره کننده تعیین می شود. خبرگزاری تاس در این مورد اعلام داشت که در این تصمیم تقویت "ابتکار فردی" مورد نظر است. این طرح جنبه آزمایشی دارد و دولت اتحاد شوروی در نظر دارد با جمع بندی تجربه ها طرح قانون نظام اجاره ای را تدوین و به پارلمان ارایه کند.

درگیری دانشجویان با پلیس

دانشجویان و مخالفان حکومت کره جنوبی به مناسبت بازگشت مون ایکه هوان از سفر جمهوری دمکراتیک کره و اعلام حمایت از او گرد همایی بزرگی را سازمان داده اند: سفر مون ایکه هوان از طرف دولت کره جنوبی فیر قانونی قلمداد شده و تهدید به دستگیری او در فرودگاه کرده است.

مقامات جمهوری دمکراتیک کره هشدار دادند که دستگیری این کشیش ۷۱ ساله "تاثیرات سنگینی بر مذاکرات دو جانبه" خواهد داشت. مون ایکه هوان از سوی کیم ایل سونگ رهبر کره شمالی به حضور پذیرفته شده بود.

روز سه شنبه (فردا) چند هزار پلیس در اطراف فرودگاه سئول مستقر خواهند شد تا از حضور دانشجویان و مخالفان حکومتی جلوگیری کنند.

علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران



در حرکت اعتراضی و افشاگرانه‌ای که در شهر فرارای ایتالیا به مدت دو روز انجام گرفت، فدائیان خلق ایران - اکثریت در این شهر شرکت سازمانگرانه فعالی داشتند. در این حرکت اعتراضی همکسهای گورهای جمعی، این سند جنایات جمهوری اسلامی در زندانهای ایران، و همکسهای از شهدای اخیر زندانها برای آگاهی مردم ایتالیا به نمایش گذاشته شد.

در طول نمایش همکسها، اعلامیه افشاگرانه‌ای با عنوان "ایران: قتل هام زندانیان سیاسی" در میان مردم پخش شد. در اعلامیه یادشده، به فجایعی که در زندانهای شهرهای سراسر ایران توسط رژیم تبهکار خمینی صورت گرفته است، اشاره و نسبت به خطری که جان محدود زندانیان آزاد شده را تهدید می‌کند هشدار داده شده است.

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبربستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> يك ساله
۲۴	۲۱		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 253
MONDAY, 17 APR 89

حساب بانکی

AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک هائی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

سمت گیری بشردوستانه پرسترویکا

الکساندر یاکوولف
عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

جامعه شوروی پیچیده‌ترین انقلاب‌ها را از سر می‌گذراند؛ انقلاب در آگاهی، در کشور ما می‌توان طیف وسیعی از مواضع مختلف نسبت به پرسترویکا یافت؛ از طرفداران احساساتی و هجول، انسان‌هایی که در آن یک عضو مهم زندگی را می‌بینند، تا بدبینان و آنهایی که این امر مورد پسندشان نیست.

ما می‌دانیم که پرسترویکا در خارج نیز، با در نظرگیری کشورهای سوسیالیستی برادر، از زاویه‌های گوناگونی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این روشن است که ما حق نظر انتقادی را به رسمیت می‌شناسیم و تلاش ما بر آن است که از انتقاد بیشترین سود را برای خود ببریم.

امروز در حزب کمونیست اتحاد شوروی و در جامعه شوروی بیش از هر چیز درباره چه چیزی بحث می‌شود؟ درباره اصول اساسی سوسیالیسم: درباره سمت گیری اجتماعی، مالکیت،

دموکراسی و صراحت درباره قدرت خلق و نقش سیاسی حزب، درباره محتوای واقعی این اصول! درباره این که چگونه می‌توان در عمل، زندگی را بر اساس این اصول سازمان داد، بدون آن که از آرزوهای خود در برابر واقعیت دست برداریم و بدون آن که به خاطر گرایش‌های ارضانگشته، به زور قالب‌هایی را به زندگی تحمیل کنیم. از این رو مساله اخلاق را ما نه تنها در زندگی، بلکه در سیاست نیز طرح می‌کنیم. اخلاقی و بشردوستانه امروز به معنای سوسیالیستی نیز هست. بدون در نظرگیری مبانی اخلاقی نمی‌توان نه سرچشمه‌ها، نه هدف‌ها و نه روند پرسترویکا را درک کرد.

درباره این که آیا سوسیالیسم ضروری است، در اتحاد شوروی بحثی وجود ندارد. تصمیم ما برای سوسیالیسم بر حسب اتفاق گرفته نشده است. این تصمیم آگاهانه و بقیه در صفحه ۸

لهستان: تصویب فرم‌های جدید

پارلمان لهستان (سیم) روز جمعه ۱۷ آوریل در طرح قانونی برای فرم‌های مختلف را به تصویب رساند. در همین رابطه توافق‌های حاصل شده میان دولت لهستان و سندیکای همبستگی، شکل قانونی یافتند. طرح جدید انتخابات پارلمان، طرح تغییر قانون ایجاد انجمن و سندیکا، تغییر قانون اساسی که ارگان‌های جدیدی چون مجلس سنا و پست ریاست جمهوری را در نظر می‌گیرد و قانون ایجاد کلوپ‌ها و انجمن‌های سیاسی از جمله طرح‌های بودند که در پارلمان به تصویب رسیدند.

روز چهارشنبه ۱۵ آوریل گفتگو میان سندیکای همبستگی و دولت لهستان به پایان رسید. توافق‌های حاصل شده محتوای طرح‌هایی را تشکیل می‌دادند که در پارلمان مورد تصویب قرار گرفته‌اند. بر این اساس راه برای فعالیت مجدد سندیکای "همبستگی" و سندیکای "همبستگی دهقانان" باز شد. پیرامون قانون فعالیت احزاب در پارلمان پیشنهاد شد که فعالیت

اقتصادی برای این گونه انجمن‌ها نیز آزاد شود. نماینده‌ای در دفاع از این پیشنهاد استدلال کرد که به عنوان مثال "همبستگی" می‌تواند کشتی‌سازی "لنین" را در گدانسک در اختیار خود گیرد. در مذاکرات توافق شده بود که ماده ۹۰ قانون سندیکاها که بر اساس آن تنها برای یک کارخانه یک سندیکا مجاز به فعالیت بود، حذف شود. بر این اساس رقابت میان "همبستگی" و اتحادیه سندیکایی رسمی لهستان در یک کارخانه مجاز خواهد بود.

لخ والسا روز دوشنبه سوم آوریل پیش از ملاقات با وزیر کشور لهستان چسلاو کیچاک گفت: "ما در مسایل اساسی عقب نخواهیم نشست." او گفت نمایندگان دولتی تلاش دارند سازمان او را به بخشی از نظام تبدیل کنند. در حالی که "ما می‌خواهیم نظام را تغییر دهیم" از سوی دیگر والسا همچنین اعلام داشت که در انتخابات ماه ژوئن سندیکای "همبستگی" به عنوان یک سازمان شرکت نخواهد کرد.

پارلمان لهستان (سیم) روز جمعه ۱۷ آوریل در طرح قانونی برای فرم‌های مختلف را به تصویب رساند. در همین رابطه توافق‌های حاصل شده میان دولت لهستان و سندیکای همبستگی، شکل قانونی یافتند. طرح جدید انتخابات پارلمان، طرح تغییر قانون ایجاد انجمن و سندیکا، تغییر قانون اساسی که ارگان‌های جدیدی چون مجلس سنا و پست ریاست جمهوری را در نظر می‌گیرد و قانون ایجاد کلوپ‌ها و انجمن‌های سیاسی از جمله طرح‌های بودند که در پارلمان به تصویب رسیدند.

روز چهارشنبه ۱۵ آوریل گفتگو میان سندیکای همبستگی و دولت لهستان به پایان رسید. توافق‌های حاصل شده محتوای طرح‌هایی را تشکیل می‌دادند که در پارلمان مورد تصویب قرار گرفته‌اند. بر این اساس راه برای فعالیت مجدد سندیکای "همبستگی" و سندیکای "همبستگی دهقانان" باز شد. پیرامون قانون فعالیت احزاب در پارلمان پیشنهاد شد که فعالیت